

# تحليل وضعیت مشارکت ورزش همگانی در ایران و تبیین چالش‌ها و موانع کلان

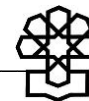
معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگي  
دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ

کد موضوعی: ۲۷۰  
شماره مسلسل: ۱۶۷۸۰  
آذرماه ۱۳۹۸

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۳.....	اهمیت و ضرورت توسعه ورزش همگانی
۵.....	وضعیت موجود ورزش همگانی و پیامدهای مربوط
۵.....	الف) مشارکت همگانی (مشارکت همه اقشار جامعه اعم از زن و مرد، پیر و جوان در ورزش‌های همگانی)
۱۴.....	ب) مشارکت دستگاه‌های ذی‌نفع و ذی‌نقش (زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و منابع مالی)
۲۱.....	چالش‌ها و موانع کلان ورزش همگانی کشور
۲۱.....	الف) چالش‌ها و موانع کلان ورزش همگانی از منظر پژوهش‌های پیشین
۲۲.....	ب) چالش‌ها و موانع کلان ورزش همگانی از دیدگاه متخصصان، خبرگان و ذی‌نفعان
۲۲.....	اولویت‌بندی چالش‌ها و موانع کلان ورزش همگانی از دیدگاه متخصصان، خبرگان و ذی‌نفعان
۲۴.....	الف) مهم‌ترین چالش‌ها و موانع مدیریتی (سیاستی و اجرایی) براساس رتبه
۳۰.....	ب) مهم‌ترین چالش‌ها و موانع ساختاری براساس رتبه
۳۴.....	جمع‌بندی و پیشنهاد
۳۷.....	منابع و مأخذ



## تحلیل وضعیت مشارکت ورزش همگانی در ایران و تبیین چالش‌ها و موانع کلان

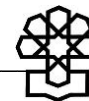
### چکیده

پرداختن افراط‌گونه رسانه‌ها به ورزش حرفه‌ای و قهرمانی و جذابیت این بعد از ورزش باعث شده تا سیاستگذار و مجری از نیاز اساسی جامعه در این حوزه یعنی ورزش همگانی غافل شوند. در حالی که از زمان تصویب نخستین قانون در حوزه ورزش کشور، بیش از ۹۰ سال می‌گذرد و اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به «تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح» اشاره دارد، اما طی این سال‌ها نه تنها هیچ سازوکار حقوقی و اجرایی مشخصی برای تحقق این موضوع پیش‌بینی نشده است، بلکه گاهی احکامی متعارض با این اصل اساسی تصویب و اجرا شده است. از سوی دیگر، فقر و فقدان قوانین مدون و دارای ضمانت اجرای مشخص در حوزه ورزش باعث شده تا عملاً ورزش همگانی به حال خود «رها» شود. خروجی این امر، وضعیت نگران‌کننده تندرستی و وضعیت عمومی مردم کشور است؛ بیش از ۶۴ درصد مردم ایران ورزش نمی‌کنند، میانگین مدت زمان افراد ورزش کرده از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴، ۱۵ دقیقه بود که در سال ۱۳۹۶ به ۲۷ دقیقه افزایش یافت که می‌تواند تا حدودی ناشی از مداخله حمایتی قانونگذار در برنامه ششم توسعه و موضوع مهم ورزش از مالیات بر ارزش افزوده باشد. از سوی دیگر، سرانه موجود فضای ورزشی کشور به اندازه طول یک «گام» است و به ازای هر چهار هزار نفر جمعیت، یک مکان ورزشی وجود دارد. علاوه بر کمبود سرانه فضای ورزشی و گران بودن ورزش، احداث اماکن ورزشی خارج از محدوده و حریم شهر و روستا با عنوان دسترسی نامناسب به فضاهای ورزشی، به افزایش نگرانی در این باره افزوده است. تغییر سبک زندگی مردم نیز وضعیتی نگران‌کننده را نشان می‌دهد؛ مطابق آمار منتشره از سوی بانک مرکزی، در سال ۱۳۹۶ حدود ۴۹/۴ درصد از خانوارهای شهری از اتومبیل شخصی، ۱۶ درصد از موتورسیکلت و تنها ۱۳/۱ درصد از دوچرخه (از نمره ۱۶ به بالا) استفاده می‌کردند، این در حالی است که این نسبت (استفاده از دوچرخه) در سال ۱۳۸۶ حدود ۲۰/۴ درصد و در سال ۱۳۸۱ حدود ۲۴/۱ درصد بود. داده‌های مزبور نشان می‌دهند که استفاده از دوچرخه توسط خانوارهای شهری ایرانی طی ۱۵ سال اخیر به میزان ۱۱ درصد کاهش یافته است و در مقابل استفاده از اتومبیل شخصی افزایشی ۳۰ درصدی داشته است. به علاوه، در سال ۱۳۹۰ حدود ۲۱ درصد مردم از اینترنت استفاده می‌کردند که این رقم در سال ۱۳۹۶ به ۶۴ درصد رسید و ۶۱/۶ درصد از خانوارها نیز در شبکه‌های اجتماعی عضویت داشته‌اند. این تغییر سبک

زندگی به‌سوی کم‌تحركی و کاهش فعالیت جسمانی می‌تواند پیامدهای نامطلوب سلامتی، اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی برای کشور به همراه داشته باشد. نیم‌نگاهی به وضعیت فعالیت بدنی و از حیث گروه‌های سنی (که نشان می‌دهد گروه‌های نوجوان و جوان، کمترین میزان مشارکت در برنامه‌های ورزشی را دارند) این فرضیه را تقویت می‌کند که تکنولوژی جدید و سرگرمی‌ها و بازی‌های امروزی به‌عنوان رقیبی جدی برای تحرک و آمادگی بدنی این قشر از جامعه به‌سوی خمودگی و سستی عمل می‌کنند. ازسوی دیگر، داده‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد که هزینه «تفریح و امور فرهنگی» (برنامه‌های ورزشی در این دسته قرار می‌گیرند) در مردادماه سال ۱۳۹۶ نسبت به ماه مشابه سال قبل، حدود ۵۱ درصد بیشتر شده است. در این وضعیت نیز ایرانیان حتی اگر بخواهند نمی‌توانند در برنامه‌ها و فعالیت‌های مطلوب ورزشی سلامت‌محور شرکت کنند.

به‌علاوه، هرم سنی جمعیت کشور، روند رو به رشد نرخ سالمندی را نشان می‌دهد و نتیجه این سه ضلعی یعنی کم‌تحركی (کاهش مشارکت مردم در فعالیت‌های ورزشی)، افزایش میزان چاقی و رشد فزاینده پیری جمعیت کشور بدون شک افزایش روزافزون هزینه خانوارها، نظام سلامت و نظام بیمه‌ای کشور، کاهش بهره‌وری نیروی کار، کاهش نشاط عمومی و درنهایت ناکارآمدی نظام اقتصاد فردی و اجتماعی کشور خواهد بود.

براساس این ضرورت، این مهم مورد بررسی قرار گرفته و چالش‌ها و مسائل کلان ورزش همگانی در دو بعد ساختاری و مدیریتی شناسایی شده‌اند که ازجمله مهم‌ترین آنها می‌توان به: ساختاری (ضعف ساختاری در ورزش همگانی، تغییر سبک زندگی مردم، مشکلات اقتصادی مردم، افزایش استفاده مردم از شبکه‌های اجتماعی در اوقات فراغت، کمبود امکانات، تجهیزات و لوازم ورزش همگانی، پایین بودن سرانه فضاهای ورزش همگانی در دسترس و گران بودن ورزش) و مدیریتی (کمبود مشوق‌های کارآمد و هدفمند در راستای دسترسی آسان و ارزان ورزش همگانی، جذاب بودن ورزش قهرمانی و حرفه‌ای برای رسانه و دولت، جزیره‌ای عمل کردن و نداشتن یک مدل مطلوب و نقشه نظام‌مند کل‌نگر در حوزه ورزش همگانی، ضعف وزارت ورزش و جوانان در مدیریت و سیاستگذاری کلان این حوزه و هزینه نشدن بودجه ورزش همگانی در محل مناسب) اشاره کرد. در مجموع، با توجه به اینکه ۵۶ درصد جمعیت کل کشور دارای اضافه وزن هستند، ۶۳ درصد زنان ایرانی اضافه وزن دارند و نظر به مشارکت پایین مردم به‌ویژه قشر جوان در برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی، به‌نظر می‌رسد فقر حرکتی و بحران بی‌تحركی ایرانیان در آینده می‌تواند زمینه بروز خطرات اجتماعی، سلامتی و امنیتی برای کشور ایجاد کند که ضرورت ورود قانونگذار برای ایجاد سازوکارها و ضوابط حقوقی لازم در این باره را وانمود می‌سازد.



## اهمیت و ضرورت توسعه ورزش همگانی

امروزه به ورزش به‌عنوان یکی از عمده‌ترین ابزارهای تربیت می‌نگرند. نهادهای سیاسی (دولت‌ها و احزاب) و نهادهای اجتماعی (سازمان‌های غیردولتی، آموزشی، فرهنگی و دینی) از ورزش به‌عنوان ابزار هدایت عامه بهره می‌گیرند. دولت‌ها دریافته‌اند به کمک ورزش می‌توانند شهروندان همراه‌تری داشته باشند. این طرز تلقی از ورزش، نمودی نوین است. این موج در غرب آغاز شده و در قرن ۲۱، بسیار سرعت گرفته است به‌طوری‌که شورای اروپا سال ۲۰۰۴ میلادی را سال آموزش از طریق ورزش اعلام کرد و کشورهای صنعتی، ورزش را ابزاری قدرتمند برای هدایت، هماهنگ و کنترل شهروندان می‌دانند. ازسوی دیگر، اندیشمندان ورزشی، قرن ۲۱ را قرن ورزش‌های همگانی نامیده‌اند. با این حال در ایران، پرداختن افراط‌گونه رسانه‌ها به ورزش حرفه‌ای و قهرمانی و جذابیت این بعد از ورزش باعث شده تا سیاستگذار و مجری از نیاز اساسی جامعه در این حوزه یعنی ورزش همگانی غافل شوند.

با این حال، صنعتی شدن جوامع و ورود به دنیای فناوری‌های مختلف و متنوع موجب شده است که تمامی ابعاد زندگی انسان از جمله تحرک او را تحت تأثیر قرار دهد. رواج فناوری و صنعتی شدن جوامع باعث شده میزان ساعات کار کاهش یابد و همچنین سهم فعالیت جسمانی در حین انجام کار کاهش یابد و همگی این تحولات با افزایش میزان اوقات فراغت همراه بوده است. این کاهش تحرک و فعالیت بدنی در زندگی روزمره که به‌دلیل توسعه و گسترش امکانات و وسایل رفاهی و شیوه‌های نوین زندگی به‌وجود می‌آید، ضرورت برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های جسمانی مورد نیاز جامعه را بیش از پیش نمایان می‌سازد، به‌گونه‌ای که برنامه‌ریزی برای ورزش از دغدغه‌های اصلی حکومت‌ها شده است. این ضرورت از اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شصت میلادی به‌دلیل شرایط ویژه جهانی و رشد تدریجی ارتباطات، بیشتر نمود پیدا کرده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اکثر کشورها از وضعیت ورزش همگانی و تحرک در جامعه خود رضایت چندانی ندارند، به همین علت برای توسعه ورزش همگانی، اقدامات ویژه‌ای انجام می‌دهند. همچنین، شواهد نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در کشور ما نیز تاکنون در این زمینه موفق نبوده و سیاست‌ها و اقدامات مناسبی برای توسعه ورزش همگانی اتخاذ و اجرا نشده است.

خروجی این امر، وضعیت نگران‌کننده تندرستی و وضعیت عمومی مردم کشور است؛ بیش از ۶۴ درصد مردم ایران ورزش نمی‌کنند، میانگین مدت زمان افراد ورزش کرده تنها ۱۵ دقیقه است هرچند در برنامه ششم توسعه به ۲۷ دقیقه افزایش یافته است،<sup>۱</sup> ۵۶ درصد جمعیت کل کشور دارای اضافه وزن هستند، ۶۳ درصد زنان ایرانی اضافه وزن دارند<sup>۲</sup> در حالی که سرانه موجود فضای ورزشی کشور به

۱. مرکز ملی آمار ایران، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶.

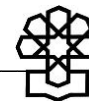
۲. سازمان جهانی بهداشت ۲۰۱۶.

اندازه طول یک «گام» است و به‌ازای هر چهار هزار نفر جمعیت یک مکان ورزشی وجود دارد.<sup>۱</sup> مطابق آمار منتشره ازسوی بانک مرکزی، در سال ۱۳۹۶ حدود ۴۹/۴ درصد از خانوارهای شهری از اتومبیل شخصی، ۱۶ درصد از موتورسیکلت و تنها ۱۳/۱ درصد آنها از دوچرخه (از نمره ۱۶ به بالا) استفاده می‌کنند، این درحالی است که این نسبت (استفاده از دوچرخه) در سال ۱۳۸۶ حدود ۲۰/۴ درصد و در سال ۱۳۸۱ حدود ۲۴/۱ درصد بود (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶). داده‌های مزبور نشان می‌دهند که استفاده از دوچرخه توسط خانوارهای شهری ایرانی طی ۱۵ سال اخیر به میزان ۱۱ درصد کاهش داشته است و برعکس استفاده از موتورسیکلت طی این دوره زمانی رشدی ۶ درصدی و استفاده از اتومبیل شخصی رشدی ۳۰ درصدی داشته است. در سال ۱۳۹۰ حدود ۲۱ درصد مردم از اینترنت استفاده می‌کردند که این رقم در سال ۱۳۹۶ به ۶۴ درصد رسید و ۶۱/۶ درصد از خانوارها نیز در شبکه‌های اجتماعی عضویت داشته‌اند (همان). این نشان‌دهنده تغییر در سبک زندگی در جهت کم‌ترکی و کاهش فعالیت جسمانی است. نیم‌نگاهی به وضعیت فعالیت بدنی و از حیث گروه‌های سنی (نشان می‌دهد گروه‌های نوجوان و جوان کمترین میزان مشارکت در برنامه ورزشی را دارند) این فرضیه را تقویت می‌کند که تکنولوژی جدید و سرگرمی‌ها و بازی‌های امروزی به‌عنوان رقیبی جدی برای فعالیت‌های بدنی و کاهش تحرک این قشر از جامعه به‌سوی خمودگی و سستی عمل می‌کنند. ازسوی دیگر داده‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد که هزینه «تفریح و امور فرهنگی» (برنامه‌های ورزشی در این دسته قرار می‌گیرند) در مردادماه سال ۱۳۹۶ نسبت به ماه مشابه سال قبل، حدود ۵۱ درصد بیشتر شده است. در این وضعیت نیز ایرانیان حتی اگر بخواهند نمی‌توانند در برنامه‌ها و فعالیت‌های مطلوب ورزشی سلامت محور شرکت کنند.

به‌علاوه، هرم سنی جمعیت کشور، روند رو به رشد نرخ سالمندی را نشان می‌دهد و نتیجه این سه ضلعی افزایش میزان چاقی، کم‌ترکی (کاهش مشارکت مردم در فعالیت‌های ورزشی) و رشد فزاینده پیری جمعیت کشور بدون شک افزایش روزافزون هزینه خانوارها، نظام سلامت و نظام بیمه‌ای کشور، کاهش بهره‌وری نیروی کار، کاهش نشاط عمومی و درنهایت ناکارآمدی نظام اقتصاد فردی و اجتماعی کشور خواهد بود.

بنابراین، از این رهگذر، برای افزایش میزان مشارکت مردم در ورزش همگانی ضرورت دارد که وضعیت موجود و چالش‌های عمده‌ای بررسی شود که ورزش همگانی کشور با آن روبه‌رو است. این گزارش در پی آن است تا میزان مشارکت مردم و همچنین دستگاه‌های ذی‌نفع و ذی‌نقش در ورزش همگانی طبق آمارهای منتشر شده درخصوص میزان مشارکت مردم، مطالعات و پژوهش‌های علمی

۱. آمار وزارت ورزش و جوانان (شرکت توسعه، تجهیز و نگهداری اماکن ورزشی)، ۱۳۹۵.



مرتبط بررسی شود. سپس در گام بعد، چالش‌ها و موانع توسعه و تعمیم ورزش همگانی از دیدگاه متخصصان و خبرگان تبیین و با نقطه نظر کارشناسی و سیاستی، مباحث مطروحه جمع‌بندی شود.

### وضعیت موجود ورزش همگانی و پیامدهای مربوط

یکی از مهم‌ترین مراحل توسعه در ورزش همگانی شناخت وضع موجود است، اینکه بدانیم الان در چه وضعیتی قرار داریم، چرا اینجا هستیم؟، آیا وضعیت موجود مطلوب است؟، تا وضعیت مطلوب چقدر فاصله داریم؟، تا درک صحیحی از وضعیت موجود نداشته باشیم، نمی‌توانیم چالش‌ها را بشناسیم و در نتیجه برای پیشرفت، برنامه‌ریزی کنیم. بر این اساس در اولین قدم باید همه مؤلفه‌های مؤثر در توسعه ورزش همگانی بازگو شوند. ارکانی همچون پشتیبانی مالی، ساختارهای سازمانی و دستگاه‌های مدیریتی، نحوه اداره باشگاه‌ها، میزان مشارکت عمومی، وضعیت سبک زندگی و فعالیت بدنی مردم، شیوه سیاستگذاری و حکمرانی در این باره از جمله موضوع‌هایی است که برای واکاوی وضعیت موجود ضروری است. بنابراین این دسته عوامل را در دو بخش کلان مشارکت همگانی (مشارکت همه اقشار جامعه اعم از زن و مرد، پیر و جوان در ورزش‌های همگانی) و مشارکت دستگاه‌های ذی‌نفع و ذی‌نقش (زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و منابع اعتباری و بودجه‌ای) بررسی میکنیم.

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه در مورد تعریف مشارکت ورزشی، توافق خاصی وجود نداشته و این در حالی است که در اکثر کشورها، تعریف مشارکت ورزشی به‌عنوان مبنای آمارها و اطلاعات رسمی مشخص شده است. به‌عنوان مثال؛ استاندارد مشارکت ورزشی در کشور انگلستان؛ ۳ جلسه در هفته و هر جلسه حداقل ۳۰ دقیقه با شدت متوسط است و این استاندارد برای مردم آلمان حداقل ۳۰ دقیقه در هفته تعریف شده است (مجدآرا و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۹). ازسوی دیگر، با توجه به فرابخشی بودن مقوله ورزش همگانی و چندپارگی بین نهادهای فعال در توسعه ورزش همگانی اعم از وزارت ورزش و جوانان، شهرداری‌ها، وزارت آموزش و پرورش، نیروهای مسلح و ... و همچنین مشخص نبودن آمار دقیق، روشن، جامع و متقن؛ نمی‌توان با اطمینان خاطر حداکثری میزان مشارکت در ورزش همگانی را تعیین و اعلام کرد. بنابراین آمار و ارقام ارائه شده بیشترین جامعیت و شاملیت را در شرایط موجود دارد.

**الف) مشارکت همگانی** (مشارکت همه اقشار جامعه اعم از زن و مرد، پیر و جوان در ورزش‌های همگانی) اصطلاح مشارکت همگانی دو معنی را به ذهن متبادر می‌سازد: در معنای اول باید به مشارکت مردم در برنامه‌های ورزش همگانی اشاره کرد. در این راستا دو رویکرد پایین به بالا و بالا به پایین در توسعه ورزش وجود دارد. در رویکرد پایین به بالا فرض می‌شود توسعه ورزش باید از پایین‌ترین سطوح ورزش در هرم توسعه ورزش آغاز شود و هدف اصلی جلب همه مردم و ایجاد محبوبیت برای ورزش و فعالیت

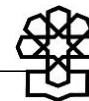
بدنی است. در رویکرد بالا به پایین، هدف موفقیت ورزش در عرصه بین‌المللی است که در آن بر رشد و اعتلای یک یا چند رشته ورزشی سرمایه‌گذاری می‌شود. چرا که ورزش قهرمانی به علت کسب مدال، مقام و شهرت، پول ورزشکاران نخبه، نقش یک الگو را برای مردم ایفا کرده و سبب توجه رسانه‌ها و عموم مردم به امر ورزش می‌شوند، در نتیجه افراد جدیدی جذب باشگاه‌های ورزشی شده و مشارکت و رقابت در ورزش‌های پایه و عمومی شکل می‌گیرد.

اما مشارکت همگانی در معنای دوم بدین معنی است که باید توسعه ورزش در همه سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه کشور مورد توجه قرار گیرد. در این رویکرد، «ورزش برای همه»<sup>۱</sup> به «همه برای ورزش»<sup>۲</sup> تغییر یافته و در جدیدترین رویکرد به «ورزش در همه سیاست‌ها»<sup>۳</sup> تبدیل شده است. در این رویکرد می‌توان آثار سایر خط‌مشی‌ها و قوانین روی ورزش را مورد پایش قرار داد. در این رویکرد آثار سیاست‌های موجود نیز ارزیابی شده و هدف نهایی آن، افزایش سیاست‌گذاری مبتنی بر اطلاعات، آگاه ساختن سیاست‌گذاران با ایجاد پیوند بین سیاست‌ها و مداخلات آن است. با توجه به این مهم، متأسفانه توسعه ورزش همگانی همچنان در مرحله «ورزش برای همه» متوقف شده و تلاشی برای جلب مشارکت همه ذی‌نفعان و اعمال مداخلات لازم در همه سیاست‌ها صورت نگرفته است. هرچند، «ورزش برای همه» نیز در حد شعار باقی مانده است، اگرچه اقداماتی از سوی برخی دستگاه‌ها مانند صدا و سیما، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت ورزش و جوانان انجام شده است تا با آگاهی بخشی به جامعه این مقوله به مطالبه عمومی و خواست حداکثری فردی و اجتماعی تبدیل شود، اما همچنان مشاهده می‌شود که نیاز به ورزش محدود و معطوف به قشر خاصی از جامعه از حیث سنی، جنسی و بعضاً اجتماعی - اقتصادی است. البته این مبحث در بخش بعدی که مشارکت دستگاه‌های ذی‌نفع و ذی‌نقش را بررسی می‌کنیم به تفصیل بیان می‌شود.

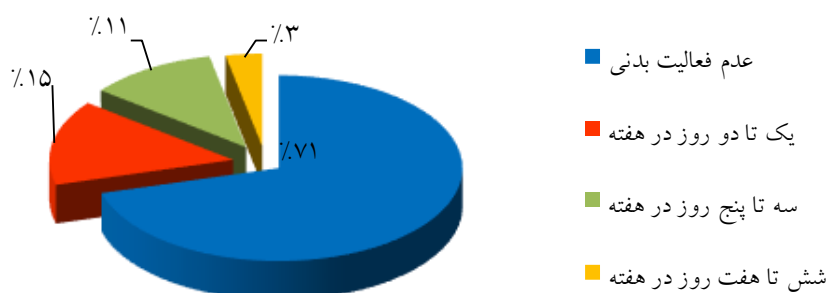
براساس پژوهش انجام شده در فدراسیون ورزش‌های همگانی جمهوری اسلامی ایران؛ تنها ۲۹ درصد مردم ایران ورزش می‌کنند (علم و همکاران، ۱۳۹۵)، در حالی که این آمار از منظر وزارت ورزش و جوانان، ۲۱ درصد اعلام شده است. هرچند، براساس پیمایش ملی وضعیت سلامت مردم ایران که در سال ۲۰۱۶ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام داده است؛ بیش از ۶۰ درصد مردم ایران فعالیت بدنی کافی ندارند (یعنی به میزان کمتر از ۶۰۰ متر یا ۶۰۰ کیلوکالری در هفته یا کمتر از ۷۰۰۰ قدم در روز).

---

1. Sport for All  
2. All for Sport  
3. Sport in All Policies



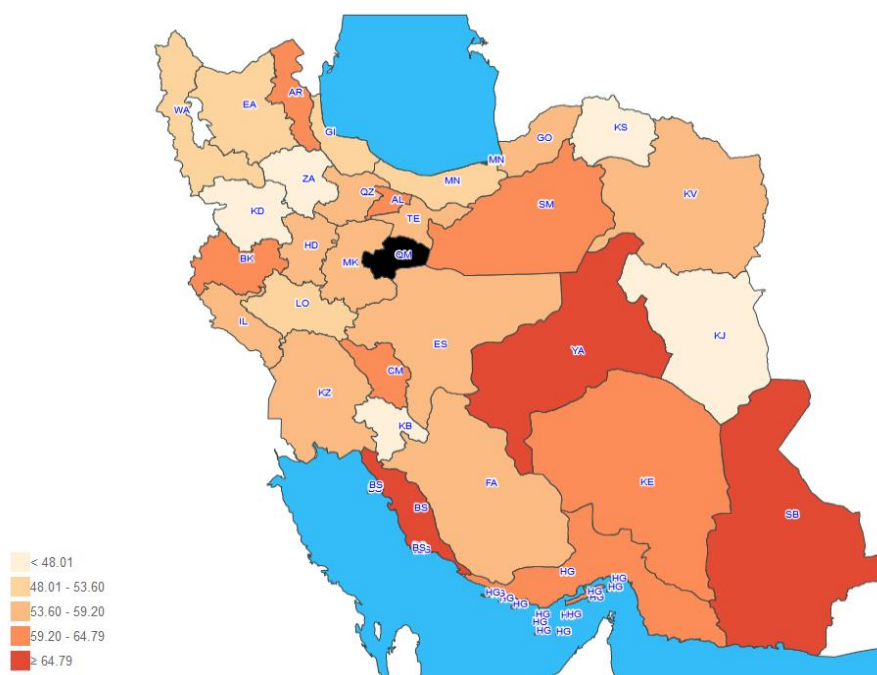
### نمودار ۱. وضعیت فعالیت بدنی مردم ایران



مأخذ: فدراسیون ورزش‌های همگانی جمهوری اسلامی ایران، به نقل از علم و همکاران، ۱۳۹۵.

نمودار ۲ وضعیت تحرک بدنی و فعالیت جسمانی مردم ایران را به تفکیک استان‌های مختلف نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود؛ استان‌های سیستان و بلوچستان، یزد و بوشهر کم تحرک‌ترین استان‌های کشور هستند، استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، زنجان، کردستان وضعیت فعالیت بدنی و تحرک جسمانی مطلوبی دارند و بقیه استان‌ها هم در وضعیت نامطلوبی قرار دارند.

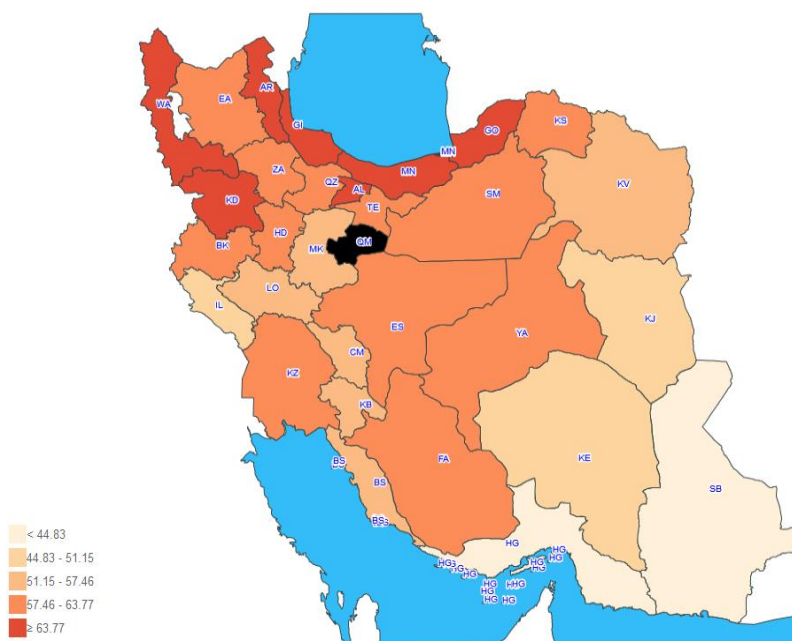
### نمودار ۲. وضعیت فعالیت بدنی مردم ایران به تفکیک استان‌های مختلف (سال ۲۰۱۶)



مأخذ: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، طرح استپس، ۱۳۹۵.

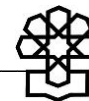
همان‌طور که در نمودار ۳ مشاهده می‌شود؛ از منظر پراکندگی نقاط جمعیتی کشور از حیث وضعیت چاقی و ترکیب بدنی، مردم استان‌های گیلان، مازندران، اردبیل، گلستان، البرز و همچنین استان‌های آذربایجان غربی و کردستان دارای بیشترین میزان چاقی و اضافه وزن در مقایسه با سایر استان‌ها هستند و وضعیت چاقی و اضافه وزن مردم شرق ایران و بخشی از نوار زاگرس‌نشین نسبت به مردم استان‌های مرکزی و غربی کمتر است.

نمودار ۳. توزیع استانی وضعیت اضافه وزن و چاقی مردم ایران (سال ۲۰۱۶)

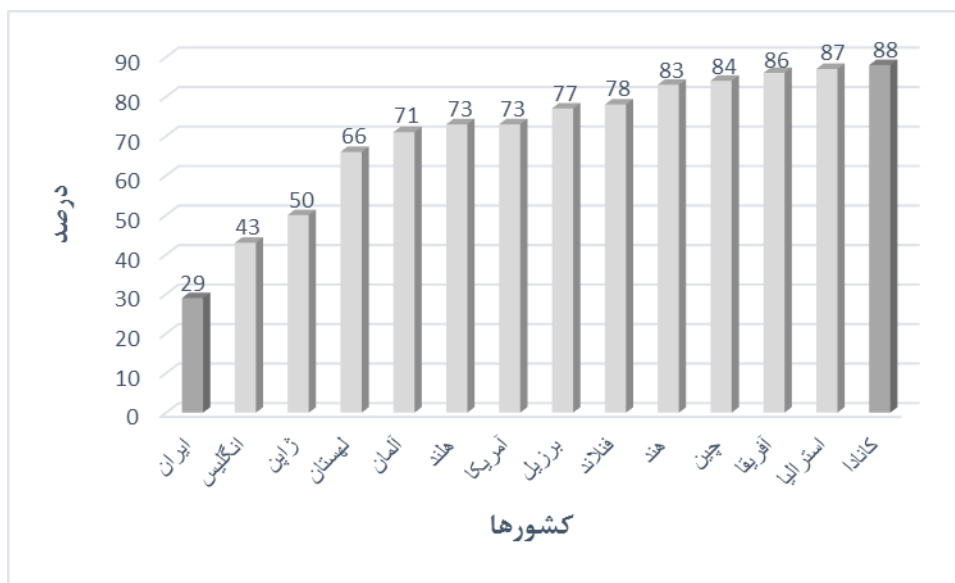


مأخذ: همان.

به‌علاوه، نمودار ۴ برپایه مطالعه‌ای تطبیقی منتشر شده از سوی فدراسیون ورزش همگانی، وضعیت مشارکت مردم در ورزش همگانی ۱۴ کشور را به تفکیک نشان می‌دهد؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود بیشترین مشارکت مربوط به کشور کانادا با ۸۸ درصد و کمترین مشارکت مربوط به ایران با ۲۹ درصد است.



#### نمودار ۴. درصد مشارکت شهروندان کشورهای مختلف در ورزش همگانی



مأخذ: فدراسیون ورزش همگانی، به نقل از مجدآرا و همکاران، ۱۳۹۷.

وضعیت موجود ورزش همگانی کشور از حیث سهم ورزش همگانی در سبد خانوار مردم ایران، به‌رغم رشد نسبی همچنان محدود و ناچیز است و هم‌پوشانی آمارهای ارائه شده مرکز آمار ایران در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۵ مربوط به اوقات فراغت فعال آحاد جامعه، این موضوع را تأیید می‌کند.

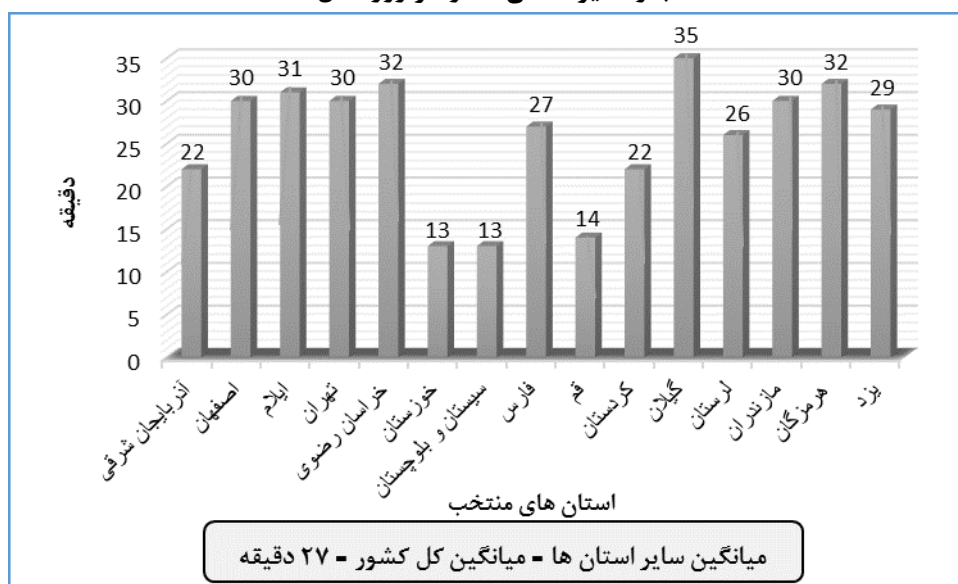
داده‌های مأخوذه از مرکز ملی آمار درخصوص فرهنگ رفتاری خانوارهای سطح روستایی و شهری کشور (۱۵ ساله و بیشتر) در سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهد که ۴۸/۹ درصد آنان مطلقاً در هیچ نوع برنامه و فعالیت ورزشی مشارکت نمی‌کنند، ۷/۲ درصد آنان یک روز در هفته و ۹/۹ درصد نیز دو روز در هفته ورزش می‌کنند (که مطابق گزاره‌های علمی، یک روز تا دو ورزش در هفته بر شاخص‌های سلامت فرد تأثیری ندارد)، ۱۵/۳۲ درصد افراد جامعه سه روز در هفته و ۱۸/۶۸ درصد نیز چهار روز و بیشتر در هفته به برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی می‌پردازند. این یعنی اینکه در سال ۱۳۹۶، ۳۴ درصد ایرانیان که ۱۵ ساله و بیشتر سن دارند حداقل سه روز در هفته ورزش می‌کردند و لذا ۶۶ درصد این جمعیت بدون فعالیت یا دارای فعالیت کم‌اثر بر شاخص‌های سلامت هستند.

داده‌های مشابه برخی از کشورها در سال ۲۰۱۶ بدین شرح است (مجدآرا، ۱۳۹۷):

- ✓ ۱۳ درصد افراد بالای ۱۵ سال استرالیا اصلاً ورزش نمی‌کنند و ۶۰ درصد حداقل سه جلسه در هفته ورزش می‌کنند.
- ✓ ۷ درصد مردم چین اصلاً ورزش نمی‌کنند و ۵۵ درصد حداقل سه جلسه در هفته ورزش می‌کنند.
- ✓ ۲۷ درصد مردم آمریکا اصلاً ورزش نمی‌کنند و ۵۲ درصد حداقل سه جلسه در هفته ورزش می‌کنند.

✓ ۲۹ درصد مردم آلمان اصلاً ورزش نمی‌کنند و ۴۸ درصد حداقل سه جلسه در هفته ورزش می‌کنند. به‌علاوه، گزارش مرکز ملی آمار (۱۳۹۶)، درخصوص وضعیت انجام ورزش خانوارهای نقاط شهری نشان می‌دهد که ۴۰/۳ درصد افرادی که ورزش می‌کنند، پارک‌ها و سایر فضاهای عمومی را برای انجام ورزش انتخاب می‌کنند، ۲۰/۶ درصد در محل سکونت خود ورزش می‌کنند و ۱۳/۳ درصد در سالن‌های ورزشی دولتی و ۲۵/۸ درصد دیگر نیز در سالن‌های ورزشی خصوصی به ورزش می‌پردازند. همچنین، ۶۰/۲ درصد افرادی که به ورزش کردن می‌پردازند به‌صورت انفرادی و ۳۹/۸ درصد دیگر نیز به‌صورت گروهی ورزش می‌کنند. همچنین، اولویت اول ۶۴ درصد آنها برای ورزش کردن، نرمش و پیاده‌روی بود و اولویت اول ۳۶ درصد دیگر سایر رشته‌های ورزشی سازمان‌یافته بود. همچنین نمودار ۵ نشان می‌دهد که سرانه زمان انجام ورزش افراد ۱۵ ساله و بیشتر ورزش کرده استان‌های منتخب و سایر استان‌ها در نقاط شهری و روستایی و در هر روز سال ۱۳۹۶ برابر با ۲۷ دقیقه است که در مقایسه با سرانه سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۸ و ۱۳۹۴-۱۳۹۳ که زمان سپری شده برای انجام ورزش توسط شهرنشینان ایرانی (۱۵ ساله و بیشتر) را حدود ۱۵ دقیقه نشان داد، ۱۲ دقیقه افزایش داشته است.

نمودار ۵. سرانه زمان انجام ورزش افراد ۱۵ ساله و بیشتر ورزش کرده استان‌های منتخب و سایر استان‌ها در هر روز سال ۱۳۹۶



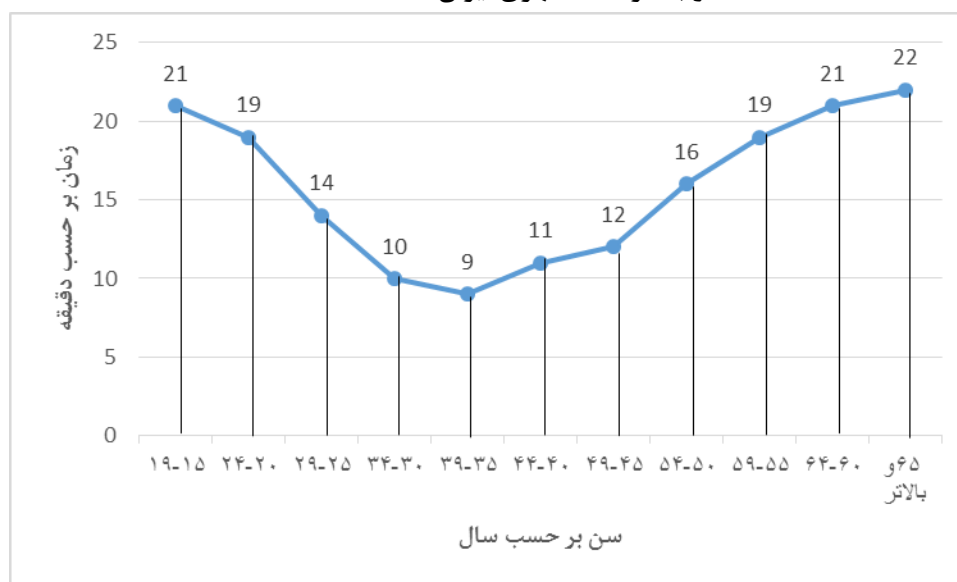
مأخذ: داده‌ها برگرفته از مرکز ملی آمار ایران، ۱۳۹۶.

در نمودار ۶، متوسط زمان سپری شده برای ورزش در گروه‌های سنی نشان داده شده است؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود سالمندان در مقایسه با میانسالان و جوانان زمان بیشتری را صرف انجام



ورزش می‌کنند. نکته قابل تأمل اینکه افراد ۶۰ ساله و بالاتر نسبت به افراد ۱۵ تا ۲۵ سال، مدت زمان بیشتری را صرف ورزش می‌کنند. به نظر می‌رسد «احساس نیاز» به انجام ورزش و استفاده از مزایای سلامتی آن یکی از دلایل این تفاوت باشد، دلیل دیگر می‌تواند به بیشتر بودن «وقت آزاد» افراد سالمند نسبت به جوان‌ترها مربوط باشد. لذا، برنامه‌ریزی و اتخاذ رویه سیاستی جهت مشارکت بیشتر افراد ۲۵ تا ۵۵ ساله در برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی از این نتایج استنباط می‌شود. این جمعیت عمدتاً شامل دانشجویان، کارکنان، کارگران و به‌طور کلی نیروی انسانی فعال جامعه ایرانی است. عدم توجه به وضعیت تندرستی و بهزیستی این قشر سنی از جامعه می‌تواند تهدیدی جدی برای اقتصاد سلامت، کارآمدی نیروی کار و حتی امنیت ملی کشور باشد.

نمودار ۶. وضعیت زمان صرف انجام ورزش در گروه‌های سنی مختلف افراد ۱۵ ساله و بالاتر نقاط شهری ایران (۱۳۹۳-۱۳۹۴)



مأخذ: داده‌ها برگرفته از مرکز ملی آمار ایران، ۱۳۹۴.

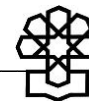
از منظر دیگر، ۵۶ درصد جمعیت کل کشور (زنان و مردان) اضافه وزن دارند و ۲۵ درصد آنها به چاقی مبتلا هستند.<sup>۱</sup> به استناد منابع علمی معتبر، چاقی وابسته به جنس است و میزان شیوع چاقی و بیماری‌های متابولیکی مبتلابه در زنان بسیار بیشتر از مردان است. براساس گزارش سازمان جهانی بهداشت (WHO) (۲۰۱۶ میلادی)، ۶۳ درصد زنان ایرانی اضافه وزن دارند و ۳۰/۶ درصد آنها از چاقی رنج می‌برند. نتیجه این ناهمسانی در افزایش میزان چاقی و کاهش مشارکت مردم در فعالیت‌های ورزشی و تغییر سبک زندگی مردم به سوی کم‌تحرکی و به تبع آن رشد روزافزون هزینه‌های خانوار،

۱. سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۶.

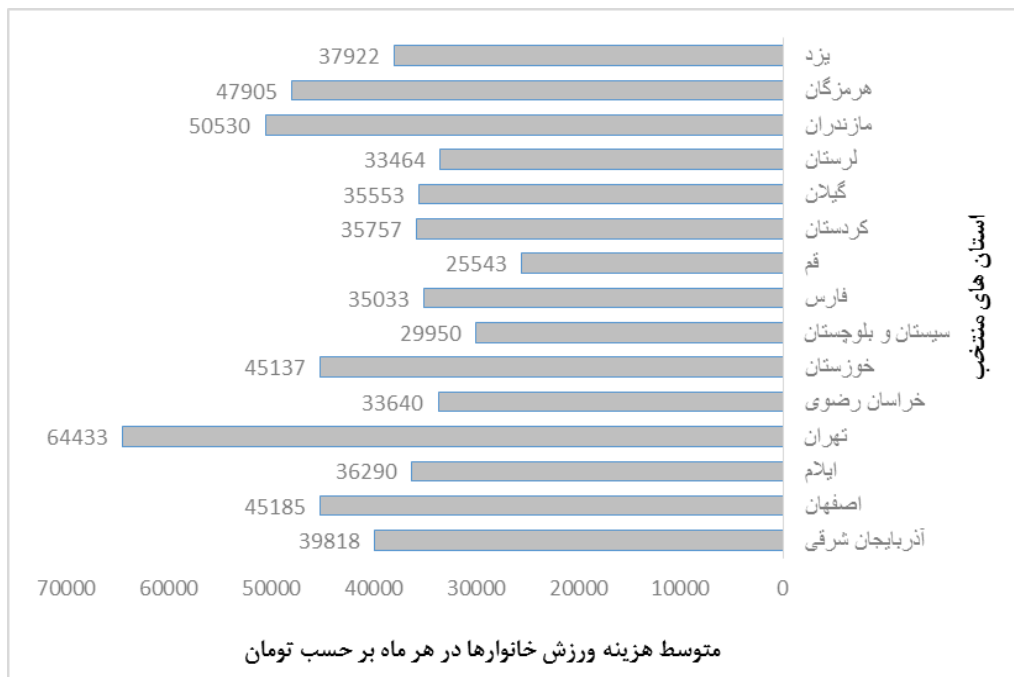
نظام‌های سلامت و بیمه‌ای کشور جهت مراقبت‌های درمانی می‌شود، کارایی و بهره‌وری نیروی کار را کاهش می‌دهد، احساس ناامنی را موجب می‌شود، احساس ناتوانی فردی و عمومی را تقویت می‌کند. به‌علاوه، هزینه‌های مراقبت از سلامت افراد چاق نسبت به افراد دارای وزن طبیعی، ۴۲ درصد بیشتر برآورد شده است (Finkelstein and et al. 2009). همچنین، چاقی یکی از بزرگ‌ترین عوامل افزایش هزینه‌های مراقبت از سلامت در ایالت متحده آمریکا است و این رقم حدود ۲۱۰ میلیارد دلار در سال تخمین زده شده است (Cawley and Meyerhoefer, 2012). در همین رابطه ادعا شده که چاقی و ناتوانی‌های جسمانی مقوله‌ای امنیتی می‌باشند و فراگیر شدن چاقی، امنیت ملی کشورها را به طور جدی به خطر می‌اندازد (Popkin, 2011).

همچنین، تغییر هرم سنی جمعیت ایران به سوی پیری و روند رو به رشد سالمندان در کشور، رشد روزافزون مستمری‌بگیران نسبت به شاغلان، بالا بودن سرانه مصرف دارو، افزایش شهرنشینی و تغییر سبک زندگی مردم شهرنشین در جهت کم‌حرکی و مصرف رژیم‌های غذایی پرچرب و رشد فزاینده مبتلایان به چاقی و بیماری‌های وابسته، زنگ خطر جدی هستند که علاوه بر ایجاد مشکلات فردی و اجتماعی مبتلایان، نظام بیمه‌ای و اقتصاد سلامت کشور را در آینده با چالش‌های جدی مواجه خواهند کرد. فارغ از راهکارها و راه‌حل‌های وابسته به نظام بیمه و سلامت کشور، به‌نظر می‌رسد توجه به ورزش همگانی به‌عنوان امری بهداشتی و پیشگیرانه در این مسیر بسیار حائز اهمیت است. در این باره، مطالعات داخلی نشان می‌دهند بین میزان فعالیت بدنی و هزینه درمانی شهروندان ارتباط معنادار منفی وجود دارد (کاشف، ۱۳۹۳). از سوی دیگر، افزایش مشارکت در فعالیت‌ها و برنامه‌های ورزشی علاوه بر فواید فوق‌الاشاره، می‌تواند با مصرف کالاها و تجهیزات ورزشی، زمینه توسعه صنایع تولیدی ورزشی و رونق اقتصاد ورزش را موجب شود. براساس داده‌های مرکز ملی آمار ایران، متوسط هزینه ورزش افراد ورزش‌کرده ایرانی در نقاط شهری در سال ۱۳۹۴ حدود ۳۱۱۹۰ تومان در ماه، برآورد شده بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴) در حالی که این میزان برای نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۹۶ به ۴۳۲۲۲ تومان رسید که نسبت به دو سال قبل، حدود ۳۸/۵ درصد افزایش یافته است.

داده‌های مرکز ملی آمار ایران در نمودار ۷ متوسط هزینه ورزش خانوارهای استان‌های منتخب را در هر ماه سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهد که براساس آن، متوسط هزینه ورزش خانوارهای کل کشور در هر ماه برابر با ۴۳۲۲۲ تومان و متوسط آن در هر ماه برای سایر استان‌ها ۳۷۲۰۰ تومان است.



نمودار ۷. متوسط هزینه ورزش خانوارهای استان‌های منتخب و سایر استان‌ها در هر ماه: سال ۱۳۹۶



توسط هزینه ورزش خانوارهای کل کشور در هر ماه = ۴۳۲۲۲ تومان

متوسط هزینه ورزش خانوارهای سایر استان‌ها در هر ماه = ۳۷۲۰۰ تومان

مأخذ: داده‌ها برگرفته از مرکز ملی آمار ایران، ۱۳۹۶.

جمع‌بندی این مبحث اینکه، میزان مشارکت مردم ایران در فعالیت‌های بدنی و ورزشی نسبت به میانگین جهانی بسیار پایین است، حدود ۴۸/۹ درصد مردم ایران هیچ‌گونه فعالیت بدنی و ورزشی ندارند و همچنین حدود ۶۶ درصد نیز فعالیت بدنی و ورزشی مؤثری ندارند. ازسوی دیگر، توزیع جمعیتی افراد فعال و نیز چاق در استان‌های مختلف کشور روبه یکسانی ندارد و کاملاً از حیث جغرافیایی متفاوت است که برنامه‌ریزی مبتنی بر آمایش سرزمینی را می‌طلبد، برای نمونه خطه شمالی کشور از منظر ترکیب بدنی دارای بیشترین میزان اضافه وزن و چاقی و خط استان‌های زاگرس‌نشین به لحاظ جسمانی و فعالیت بدنی از وضعیت مطلوبی برخوردار بوده و پرتحرک‌ترین هستند. از حیث دامنه سنی، کم‌تحرک‌ترین افراد در بازه سنی ۲۵ تا ۴۵ سال قرار دارند. مطابق داده‌های مرکز ملی آمار این مدت زمان فعالیت طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ بدون تغییر به میزان ۱۵ دقیقه بود و در سال ۱۳۹۶ به ۲۷ دقیقه افزایش یافت که می‌تواند ناشی از اثر مداخله حکم حمایتی قانون برنامه ششم توسعه پیش‌بینی شده ازسوی مجلس شورای اسلامی، مبنی بر هزینه‌کرد بخشی از منابع حاصل از مالیات بر ارزش‌افزوده برای توسعه ورزش همگانی باشد. این رقم زمانی معنا پیدا

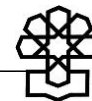
می‌کند که میانگین زمان حضور روزانه افراد در شبکه‌های اجتماعی سال ۱۳۹۶ عدد ۱ ساعت و ۴ دقیقه با پرداخت هزینه به مراتب بسیار کمتر را نشان می‌دهد.

## ب) مشارکت دستگاه‌های ذی‌نفع و ذی‌نقش (زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و منابع مالی)

### ۱. پشتیبانی مالی

رمز موفقیت ورزش در هر کشوری پشتیبانی مالی از برنامه‌ها و سیاست‌های این حوزه است، بدون منابع مالی پایدار و شفافیت در موارد مصرف در بخش ورزش، اجرای سیاست‌های توسعه ورزش با شکست مواجه خواهد شد. در ایران، ورزش همگانی از بودجه عمومی کشور ارتزاق می‌شود، از درآمدهای مالیاتی سهم دارد، از کمک خیرین نیز بهره‌مند است، از معافیت‌های مالیاتی برخوردار است، رسانه عمومی نیز از این بخش حمایت معنوی می‌کند و به ترویج و تعمیم این بخش می‌پردازد. در همین راستا، موضوع لازم به ذکر اینکه مطابق ماده (۹۴) قانون برنامه ششم توسعه، دولت مکلف است تا بیست‌وهفت درصد (۲۷٪) از کل نه درصد (۹٪) مالیات بر ارزش افزوده را برای توسعه ورزش مدارس، ورزش همگانی، فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی، ورزش روستایی و عشایری، ورزش بانوان و زیرساخت‌های ورزش به‌ویژه در حوزه معلولان و جانبازان اختصاص دهد. این مبلغ در ردیف‌های مربوط به وزارت ورزش و جوانان و وزارت آموزش و پرورش در بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود و پس از مبادله موافقتنامه در اختیار این وزارتخانه‌ها قرار می‌گیرد. ضمن آنکه تبصره «۲» ماده مذکور، پرداخت هرگونه وجهی از محل بودجه کل کشور به هر شکل و به هر نحو به ورزش حرفه‌ای ممنوع داشته و در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی دانسته است. به نظر می‌رسد روح حاکم بر این حکم، حمایت از ورزش همگانی در ابعاد مختلف و در اقصی نقاط کشور به‌ویژه در حوزه زیرساختی است. با این حال، بررسی عملیاتی آن از حیث اعتبارات نشان می‌دهد رقم ریالی این حکم در قانون بودجه سال ۱۳۹۶ حدود ۱۴۴۱ میلیارد تومان بود و در سال ۱۳۹۷ به ۱۷۱۳ میلیارد تومان و در قانون بودجه ۱۳۹۸ به ۲۶۰۶ میلیارد تومان افزایش یافت.<sup>۱</sup> همچنین، در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹، این رقم حدود ۳۳۰۰ میلیارد تومان پیش‌بینی شده است. به‌رغم این رشد اعتباری، هرچند، میانگین فعالیت‌های ورزشی نسبت به قبل از برنامه ششم توسعه حدود ۱۲ دقیقه افزایش یافت، لیکن پروژه‌های نیمه‌تمام و ناتمام ورزش کشور از ۳۳۰۰ پروژه در سال ۱۳۹۲ به ۸۰۰۰ پروژه در سال ۱۳۹۷، افزایش یافته است و با توجه به نحوه تخصیص، توزیع و عملکرد مربوطه به نظر می‌رسد افزایش اعتبارات مذکور، تأثیر چندانی بر این مقوله نداشته است؛ زیرا بخش

۱. مطابق حکم ماده (۹۴) قانون برنامه ششم توسعه، از این میزان ۲۰ درصد سهم ازدواج و اشتغال جوانان و ۸۰ درصد سهم ورزش (۱۵ درصد سهم آموزش و پرورش و ۸۵ درصد وزارت ورزش و جوانان) است.



زیادی از اعتبارات مذکور، «ملی»، «هزینه‌ای» و در اختیار وزیر ورزش و جوانان است و لذا می‌طلبد قانونگذار نسبت به اصلاح رویه اقدام جدی کند.

## ۲. نظام استعدادیابی و ورزش همگانی

موفقیت در ورزش قهرمانی در خلأ اتفاق نمی‌افتد و نیاز به یک بستر وسیع برای پرورش نیروی انسانی نخبه دارد. بدون شک این بستر را حوزه ورزش همگانی از طریق آموزش مهارت‌های اولیه ورزشی، شناختی، عاطفی و ... فراهم می‌کند. در واقع ورزش قهرمانی نیاز به نیروی انسانی دارد و خواسته و یا ناخواسته این نیروی انسانی باید از مدخل ورزش همگانی عبور کنند. استعدادیابی فرایندی است که با آن خردسالان و نوجوانان برپایه آزمون‌های معین، به سمت ورزش‌هایی راهنمایی می‌شوند که بیشترین شانس موفقیت را در آنها دارند. امروزه، تأکید بیش از حد دولت‌ها بر مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای کسب افتخارات بین‌المللی، نقش استعدادیابی در ورزش را پررنگ‌تر کرده است. واقعیت این است که امروزه ورزش ایران فاقد یک نظام استعدادیابی مبتنی بر آمایش ورزش همگانی و قهرمانی است. برخی رشته‌های ورزشی براساس گرایش‌ها و سلیق مدیران وقت ادارات کل ورزش و جوانان استان‌ها و همچنین فدراسیون‌های ورزشی در سراسر کشور توسعه یافته‌اند و در این میان سهم فوتبال، به هیچ عنوان قابل مقایسه با سایر رشته‌های ورزشی نیست. این در حالی است که وضعیت فوتبال پایه و فرایندهای استعدادیابی آن، نامناسب ارزیابی شده و سهم تیم‌های پایه فوتبال در تیم‌های ملی بزرگسالان و تیم‌های شاغل در لیگ‌های حرفه‌ای بسیار ناچیز است.

در همین راستا، ارتباط ارگانیک نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی به‌عنوان منبع پرورش استعدادیابی و استعدادپروری با رویکرد بین‌بخشی مشاهده نمی‌شود. امری که در ایجاد وضعیت سینوسی (رشد و افت) ایران در بازی‌های آسیایی و المپیک، بی‌تأثیر نیست. ضمن اینکه سهم برنامه‌های ورزش همگانی در استعدادیابی نیز نامشخص و مبهم است و برنامه‌ای برای استفاده از ظرفیت ۲۱۰۰۰ باشگاه ورزشی عمومی و ۳۵۰۰۰ معلم ورزش در حوزه استعدادیابی ورزشی مشاهده نمی‌شود.

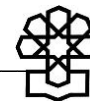
## ۳. زیرساخت‌های ورزشی و لوازم و تجهیزات تفریحی

بدون تردید، وجود زیرساخت‌ها و اماکن و فضای مناسب و بهینه ورزشی و دسترسی آسان به آنها، سنگ بنای توسعه ورزش در همه ابعاد تربیتی و همگانی تا قهرمانی و حرفه‌ای است. میزان سرانه فضای ورزشی کشور حدود ۰/۶۵ متر مربع (یک گام بلند) می‌باشد که ۰/۱۵ متر مربع آن را فضای سرپوشیده تشکیل داده است،<sup>۱</sup> ۰/۴۵ متر مربع متعلق به اماکن روباز است که حدود ۵۷ درصد از این

۱. در حالی بیشتر رشته‌های مدال‌آور ورزشی مربوط به رشته‌های ورزشی سالنی (سرپوشیده) است. برای نمونه؛ ۱۱ مدال از مجموع ۱۲ مدال کسب شده کاروان ورزشی ایران در رقابت‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن و حدود ۴۰ مدال از مجموع ۵۷ مدال کسب شده در رقابت‌های آسیایی در رشته‌های سالنی (سالن‌های سرپوشیده ورزشی) کسب شدند.

رقم را زمین‌های خاکی تشکیل می‌دهند. کسر زمین‌های خاکی از کل نشان می‌دهد میزان سرانه فضای ورزشی کل کشور حدود ۰/۴ متر مربع (نیم گام) است، این در حالی است که این میزان در کشورهای توسعه‌یافته از ۲ تا ۸ متر مربع متغیر است. فضاهای ورزشی روباز روستایی عمدتاً خاکی بوده و میزان سرانه فضای سرپوشیده ورزشی روستاییان کمتر از ۰/۴ متر مربع (مساحت یک وجب × یک‌وجب) است، به‌عنوان نمونه، سرانه فضای سرپوشیده ورزش روستایی خوزستان به‌عنوان خطه قهرمان‌خیز کشور که شدیداً مورد تهاجم ریزگردها نیز است (یعنی با توجه به شرایط جوی امکان فعالیت در اماکن روباز وجود ندارد) حدود ۰/۰۶ متر مربع (کمتر از مساحت کف یک کفش ۳۰cm×۲۰cm) است. در بخش شهری؛ کمترین میزان سرانه متعلق به شهرنشینان تهرانی با ۰/۰۳ متر مربع (کمتر از یک مساحت یک‌وجب × یک‌وجب) و بالاترین میزان به شهرنشینان سمنانی با ۰/۲ متر مربع (حدود ۰/۵ متر × ۰/۵ متر) است. سهم بخش خصوصی از سرانه فضای ورزشی کشور حدود ۲۴ دسی‌متر مربع (مساحت ۴ انگشت یک دست) است. از منظر دیگر، ۹۲ درصد از تعداد اماکن ورزشی سرپوشیده و مطلوب در مناطق شهری احداث شده‌اند و سهم روستاییان تنها ۸ درصد است؛ بر این اساس، تقریباً به‌ازای هر ۱۸,۰۰۰ نفر روستایی و هر ۴,۳۰۰ نفر شهرنشین یک سالن سرپوشیده ورزشی وجود دارد. به‌علاوه، حدود ۲۲,۰۰۰ باشگاه ورزشی خرد در اقصی نقاط کشور به آموزش، ترویج و تعمیم تربیت بدنی و ورزش مشغول هستند که به توسعه و تقویت مهارت‌های حرکتی و بدنی، کسب سلامت عمومی و ایجاد نشاط اجتماعی می‌تواند از منظر اقتصادی به افزایش سرانه مصرف کالاها، تولیدات و تجهیزات ورزشی و حمایت از اشتغال و کارآفرینی غیرمستقیم کمک می‌کند. همچنین، افزایش سلامت عمومی و تقویت قوای جسمانی، بهره‌وری نیروی کار را به‌دنبال دارد که این نیز از منظر اقتصادی حائز اهمیت است. وجود ۲۲ هزار باشگاه ورزشی محله‌محور دارای مجوز و فعالیت بیش از ۶۰ هزار نفر مربی و باشگاه‌دار در این حوزه نشان می‌دهد که بخش خصوصی، با وجود فقدان حمایت‌های مالی و حقوقی از سوی دولت، علاقه‌مند و مشتاق به سرمایه‌گذاری و فعالیت در حوزه است. بنابراین، بخش خصوصی توانسته برای هر ۳۵۰۰ نفر ایرانی یک مکان ورزشی ایجاد کند، اگرچه این موضوع تا رسیدن به مطلوب فاصله دارد اما رشد ۱۰۰ درصدی تعداد باشگاه‌های محله‌محور طی پنج سال اخیر نشان می‌دهد مشارکت بخش غیردولتی در این حوزه فرصتی ارزشمند را ایجاد کرده است که می‌بایست ضمن نظارت و رصد فعالیت‌های مربوط مورد حمایت نظام حکمرانی قرار گیرند.

از سوی دیگر، احداث بی‌رویه «زمین‌های چمن مصنوعی» طی سال‌های اخیر و توسط برخی دستگاه‌های اجرایی از جمله شهرداری‌ها، وزارت آموزش و پرورش و وزارت ورزش و جوانان، محل تأمل جدی است زیرا فاقد کارایی لازم و کافی برای اشاعه ورزش همگانی هستند و آگاهانه یا ناآگاهانه سبب هدررفت منابع مالی بسیاری می‌شوند. احداث بی‌رویه این همه زمین چمن مصنوعی در مقابل



بی توجهی به ساخت اماکن سرپوشیده چندمنظوره، با توسعه و تعمیم ورزش همگانی در تعارض آشکار است. درحقیقت، سیاست حاکم در ورزش همگانی این است که آن دسته از فعالیت‌های ورزشی که مردم با هر سن و جنسیت، شرایط اجتماعی و اقتصادی که می‌توانند به آن بپردازند، تشویق و حمایت شوند. اما نگاهی عمیق به استفاده از این گونه طراحی‌های ورزشی، نشان می‌دهد که استفاده و بهره‌وری از این اماکن حداقلی است (چه در زمینه افراد و اشخاص استفاده‌کننده و چه در زمینه نوع ورزش به‌کارگرفته شده). به‌نظر می‌رسد با توجه به محدودیت‌های ذکر شده در جدول ۱، توجیه اقتصادی و ورزشی برای تأسیس و ساخت زمین‌های چمن مصنوعی به‌جای توسعه اماکن ورزشی مناسب‌تر مثل سالن‌های ورزشی چندمنظوره وجود ندارد و به صرف تنها مزیت زمین چمن مصنوعی یعنی هزینه ساخت کمتر نمی‌توان بر معایب بی‌شمار آن (ازجمله؛ کوتاهی عمر، استفاده حداقلی به لحاظ زمانی، نوع ورزش و نوع شرایط جوی و اشخاص و افراد) چشم‌پوشی کرد. ضمن اینکه توصیه می‌شود زیرساخت‌های ورزشی به‌گونه‌ای طراحی شوند که اولاً امکان استفاده عموم و آحاد مردم فراهم شود، در ثانی اماکن و زیرساخت‌های ورزشی تک‌بعدی و تک‌ورزشی نباشند تا افزایش بهره‌وری امکان فعالیت دیگر ورزش‌ها میسر شود. ثالثاً در کنار هزینه احداث این‌گونه اماکن ورزشی، به جنبه استقبال عامه مردم برای مشارکت در برنامه‌های ورزشی و نیز درآمدزایی ناشی از فعالیت بخش خصوصی نیز توجه شود. مع‌هذا، با توجه به استفاده حداقلی از زمین‌های چمن مصنوعی چه در زمینه افراد و اشخاص و چه در زمینه نوع فعالیت‌های ورزشی درگیر، ضرورت ممانعت نمایندگان مجلس محترم شورای اسلامی و بازنگری در احداث زیرساخت‌های مناسب ورزشی از سوی وزارت ورزش و جوانان و سایر سازمان‌ها و نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی و جلوگیری از ساخت بی‌شمار زمین‌های چمن مصنوعی به‌جای سالن‌های سرپوشیده چندمنظوره ورزشی و به تبع آن هدررفت بیت‌المال و بودجه‌های ورزشی بیش از پیش احساس می‌شود.

## جدول ۱. مقایسه زمین چمن مصنوعی با سالن سرپوشیده چندمنظوره

متغیرها	زمین چمن مصنوعی	سالن سرپوشیده چندمنظوره
فصل سرد سال و فصل گرم سال	قابل استفاده فقط برای ساعاتی محدود	قابل استفاده بدون محدودیت
ساعات سرد روز و ساعات گرم روز	غیر قابل استفاده	قابل استفاده بدون محدودیت
آلودگی صوتی و مزاحمت برای اطرافیان و همسایگان	ایجاد می‌کند	ایجاد نمی‌کند
وضعیت جوی بارندگی، آلودگی هوا	مانع استفاده	قابل استفاده
استفاده اقشار از جمله بانوان و سالمندان و کودکان	غیر قابل استفاده	قابل استفاده
جانبازان، معلولان و کم‌توانان (ورزش‌های با ویلچر و نشسته)	غیر قابل استفاده	قابل استفاده
سایر رشته‌های ورزشی تویی از جمله هندبال، بسکتبال، والیبال، بدمینتون	غیر قابل استفاده	قابل استفاده
رشته‌های ورزشی رزمی	غیر قابل استفاده	قابل استفاده
برگزاری جشنواره‌ها و مسابقات گوناگون ورزشی	غیر قابل استفاده	قابل استفاده
میزان استفاده و کاربری ورزشی	حداقلی	حداکثری
توجیه اقتصادی (هزینه و درآمدزایی) متوسط بهای (نرخ) هر جلسه فعالیت ورزش میانگین تعداد جلسات فعالیت در یک سال میزان استقبال عموم طول عمر هزینه ساخت میانگین درآمد سالیانه یک زمین چمن ایدنال و سالن سرپوشیده ورزشی معمولی در شهر تهران اشتغال‌زایی و به‌کارگیری نیروهای متخصص ورزشی	۱۵ تا ۳۵ هزار تومان حدود ۱۷۰۰ جلسه کم حدود ۴۰۰۰ ساعت حدود ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان کمتر از ۵۰ میلیون تومان بسیار محدود	۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان بیش از ۴۰۰۰ جلسه زیاد (۷۰ هزار ساعت) بیش از ۲۰ سال حدود ۱ میلیارد تومان حدود ۴۰۰ میلیون تومان مطلوب و مناسب

علاوه بر نارسایی‌های مربوط به سیاست‌های اجرایی در خصوص توسعه زمین‌های چمن مصنوعی، از دیگر سیاست‌های اجرایی نامطلوب در توسعه زیرساخت‌ها می‌توان به احداث بی‌ضابطه و قارچ‌گونه اماکن ورزشی بزرگ تک‌منظوره ورزشی و با کاربری ورزش حرفه‌ای مانند استادیوم‌های ۵ هزار نفره فوتبال طی سالیان متمادی در اقصی نقاط کشور اشاره کرد که مطالبه‌گری نمایندگان حوزه‌های انتخابیه در این مهم قطعاً بی‌تأثیر نبوده است. مطابق داده‌های موجود، از سال ۱۳۶۰ تاکنون، ۳۷ استادیوم فوتبال بالای ۵۰۰۰ نفره در شهرهای مختلف کشور احداث شد، ده‌ها استادیوم در اقصی نقاط کشور ناتمام مانده و هم‌اکنون بالغ بر ۸۵ استادیوم فوتبال در پهنه جغرافیایی کشور وجود دارد. این امر، ضمن بی‌توجهی به آمایش سرزمینی ورزش، عدم توزیع مناسب و هدررفت منابع عظیم مالی در حوزه ورزش کشور، استفاده حداقلی از حداکثر منابع مالی موجود، بالا بودن هزینه نگهداری این اماکن و عدم استقبال بخش غیردولتی از مناقصه‌های مربوط، سبب شده است تا بسیاری از اماکن مزبور بلااستفاده باقی بمانند. هرچند، باید اذعان کرد بی‌رغبتی بخش غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در این حوزه به دلیل نداشتن توجیه اقتصادی، فقدان فرایندهای تسهیلگر و عدم ارائه مشوق‌های حمایتی



دولت به بخش خصوصی باعث شده است تا وزارت ورزش و جوانان، رأساً به احداث و ایجاد استادیوم‌های فوتبال بپردازد و از این حیث برای ایران به‌عنوان کشوری قدرتمند و تأثیرگذار در منطقه و آسیا، وجود اماکن بزرگ ورزشی جهت برگزاری مسابقات مهم ورزشی در سطوح ملی و جهانی و توسعه ورزش و نقش‌آفرینی در عرصه بین‌المللی لازم است. با این حال، در این باره نباید از برخی سهل‌انگاری‌ها غافل شد که منحصر به یک دولت یا مجلس خاص نیست.

ایجاد اماکن جدید و نوسازی به‌جای بازسازی و بهسازی استادیوم‌های موجود، نبود توجیه اقتصادی و منطق ورزشی در ساخت بی‌رویه استادیوم‌های ۵ هزار نفره و مانند اینها، بی‌توجهی به بازگشت سرمایه، بی‌توجهی به استانداردهای بین‌المللی، مکان‌یابی و جانمایی غیراصولی، احداث این‌گونه اماکن در خارج و یا مرکز شهر که امکان تردد را دشوار می‌کند، بی‌برنامه‌گی، بی‌تدبیری و فقدان سازوکار مشخص در خصوص احداث مشارکتی استادیوم‌ها با شرکت‌های فرهنگی ورزشی فعال در امر فوتبال موجب شده تا فاصله زیادی با کشورهای منطقه ایجاد شود و همچنین باعث هدر رفت منابع عظیم مالی کشور شود. بنابراین، می‌توان ادعا کرد اگر به‌جای احداث ده‌ها استادیوم ۵ و ۱۵ هزار نفره غیراصولی و فاقد کاربری بهینه و منطق سرمایه‌گذاری، همانند برخی از کشورهای همسایه رویکردی منطقی در این حوزه اتخاذ می‌شد، امروز حسرت داشتن ورزشگاه‌های بزرگ و مدرن و کسب میزبانی مسابقات فوتبال جهانی و آسیایی (که کشورهای همسایه از آن برخوردارند) جوانان ایرانی علاقه‌مند به ورزش را نمی‌آزارد و می‌توانست ضمن ارتقای جایگاه ورزش ملی در عرصه بین‌المللی به ایجاد درآمدزایی، توسعه گردشگری، تعمیم نشاط عمومی و تقویت روحیه خودباوری و حتی توسعه سیاسی کشور کمک کند.

#### ۴. نظام آموزش و تربیت مدیران و مربیان

یکی از مهم‌ترین منابع انسانی در حوزه ورزش که کمک قابل توجهی به توسعه ورزش کشور می‌کند مربیان ورزش هستند. اما خود این افراد برای آنکه تبدیل به مربیان کارا و اثربخش شوند نیاز به آموزش و ارتقای سطح کیفی دارند. در حال حاضر حدود ۳۰۰ هزار مربی فعال در کشور وجود دارد که صرفاً براساس شرکت در یک یا چند دوره مربیگری، مجوز اشتغال ورزشی دریافت کرده و این در حالی است که مرجعی برای تأیید صلاحیت‌های حرفه‌ای و اخلاقی آنها برای ارائه خدمات تخصصی و مطلوب به مردم وجود ندارد. به‌رغم این چالش، موضوع آموزش مربیان به‌ویژه در حوزه ورزش همگانی، امری درآمدزا برای فدراسیون‌ها محسوب شده و در برخی موارد محتوای آموزشی به‌روز و تحول‌گرایانه‌ای به مربیان متقاضی ارائه نمی‌شود. این در حالی است که سازوکار مشخصی برای اعتباربخشی و رتبه‌بندی مربیان براساس دانش، تخصص، سابقه و نقش‌آفرینی در پرورش قهرمانان نیز وجود ندارد. به‌طور کلی با

وجود سرمایه‌گذاری قابل توجه مربیان در حوزه آموزش، نظام آموزش و پرورش مربیان ورزش کشور، ناکارآمد بوده و از دیرباز در مسیری سنتی به کار خود ادامه می‌دهد.

### جدول ۲. وضعیت مربیان فعال تحت پوشش ورزش کشور

در تحقق سالیانه شاخص				تعداد مربیان فعال
۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	
۲۸۸۱۸۹	۲۷۹۱۴۵	۲۵۴۵۱۲	۲۲۰۳۱۲	

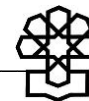
مأخذ: وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۹۶.

جمع‌بندی این مبحث اینکه، رمز موفقیت ورزش در هر کشوری پشتیبانی مالی از برنامه‌ها و سیاست‌های این حوزه است، بدون منابع مالی پایدار و شفافیت در موارد مصرف در بخش ورزش، اجرای سیاست‌های توسعه ورزش با شکست مواجه خواهد شد. در ایران، ورزش همگانی از بودجه عمومی کشور ارتزاق می‌شود، از درآمدهای مالیاتی سهم دارد، از کمک خیرین نیز بهره‌مند است، از معافیت‌های مالیاتی برخوردار است، رسانه عمومی نیز از این بخش حمایت معنوی می‌کند و به ترویج و تعمیم این بخش می‌پردازد.

در همین راستا، موضوع لازم به ذکر اینکه مطابق ماده (۹۴) قانون برنامه ششم توسعه، دولت مکلف است تا بیست‌وهفت صدم درصد (۲۷/۰٪) از کل نه درصد (۹٪) مالیات بر ارزش‌افزوده را برای توسعه ورزش مدارس، ورزش همگانی، فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی، ورزش روستایی و عشایری، ورزش بانوان و زیرساخت‌های ورزش به‌ویژه در حوزه معلولان و جانبازان اختصاص دهد.

از سوی دیگر، موفقیت در ورزش قهرمانی در خلأ اتفاق نمی‌افتد و نیاز به یک بستر وسیع برای پرورش نیروی انسانی نخبه دارد. بدون شک این بستر را حوزه ورزش همگانی از طریق آموزش مهارت‌های اولیه ورزشی، شناختی، عاطفی و ... فراهم می‌کند. واقعیت این است که امروزه ورزش ایران فاقد یک نظام استعدادیابی مبتنی بر آمایش ورزش همگانی و قهرمانی است. برخی رشته‌های ورزشی براساس گرایش‌ها و سلیق مدیران وقت ادارات کل ورزش و جوانان استان‌ها و همچنین فدراسیون‌های ورزشی در سراسر کشور توسعه یافته‌اند.

در همین راستا، ارتباط ارگانیک نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی به‌عنوان منبع پرورش استعداد‌های ورزشی با نظام استعدادپروری ورزش کشور قطع بوده و متأسفانه هیچ سازوکاری برای استعدادیابی و استعدادپروری با رویکرد بین‌بخشی مشاهده نمی‌شود. امری که در ایجاد وضعیت سینوسی (رشد و افت) ایران در بازی‌های آسیایی و المپیک، بی‌تأثیر نیست. ضمن اینکه سهم برنامه‌های ورزش



همگانی در استعدادیابی نیز نامشخص و مبهم است و برنامه‌ای برای استفاده از ظرفیت ۲۱۰۰۰ باشگاه ورزشی عمومی و ۳۵۰۰۰ معلم ورزش در حوزه استعدادیابی ورزشی مشاهده نمی‌شود. بدون تردید، وجود زیرساخت‌ها و اماکن و فضای مناسب و بهینه ورزشی و دسترسی آسان به آنها، سنگ بنای توسعه ورزش در همه ابعاد تربیتی و همگانی تا قهرمانی و حرفه‌ای است. میزان سرانه فضای ورزشی کشور حدود ۰/۶۵ متر مربع (یک گام بلند) است که ۰/۱۵ متر مربع آن را فضای سرپوشیده تشکیل داده، ۰/۴۵ متر مربع متعلق به اماکن روباز است که حدود ۵۷ درصد از این رقم را زمین‌های خاکی تشکیل می‌دهند. کسر زمین‌های خاکی از کل نشان می‌دهد میزان سرانه فضای ورزشی کل کشور حدود ۰/۴ متر مربع (نیم گام) است، در حالی که این میزان در کشورهای توسعه‌یافته از ۲ تا ۸ متر مربع متغیر است. فضاهای ورزشی روباز روستایی عمدتاً خاکی بوده و یکی از مهم‌ترین منابع انسانی در حوزه ورزش که کمک بسیاری به توسعه ورزش کشور می‌کند مریبان ورزش هستند. اما خود این افراد برای آنکه به مریبان کارا و اثربخش تبدیل شوند نیاز به آموزش و ارتقای سطح کیفی دارند. در حال حاضر حدود ۳۰۰ هزار مربی فعال در کشور وجود دارد که صرفاً براساس شرکت در یک یا چند دوره مربیگری، مجوز اشتغال ورزشی دریافت کرده و این در حالی است که مرجعی برای تأیید صلاحیت‌های حرفه‌ای و اخلاقی آنها برای ارائه خدمات تخصصی و مطلوب به مردم وجود ندارد.

### چالش‌ها و موانع کلان ورزش همگانی کشور

#### الف) چالش‌ها و موانع کلان ورزش همگانی از منظر پژوهش‌های پیشین

بررسی مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته داخلی درخصوص ورزش همگانی نشان داد که غالب مطالعات به مسائل، موانع و چالش‌ها و همچنین روش‌ها و راهکارهای ترویج و توسعه ورزش همگانی در کشور پرداخته است و در بعد مدیریتی که جنبه سیاستگذاری و نظارت توأمان را دارد و همچنین در بعد ساختاری که به مسائل پشتیبانی و زیرساخت‌ها می‌پردازد، پژوهش کمی انجام گرفته است. در مجموع می‌توان اظهار داشت که ورزش همگانی مقوله‌ای فرابخشی است که باید ذی‌نفعان و ذی‌نقشان متعددی در راستای توسعه آن نقش‌آفرینی کنند و با طراحی ساختاری منسجم و جامع و سیاستگذاری یکپارچه و تسهیم وظایف در بین دستگاه‌های ذی‌نفع و ذی‌نقش می‌توان هماهنگی و هم‌افزایی بین دستگاهی را در این خصوص افزایش داد و امید داشت که وضعیت مشارکت عمومی مردم در ورزش همگانی بهبود یافته و به فرهنگ عمومی جامعه تبدیل شود. از سوی دیگر، نقش قوه قانونگذار و تصمیم‌سازی کلان آن قوه و همچنین نظارت دقیق دستگاه قضا در کنار برنامه‌ریزی و اجرای دولت و سازمان‌های مرتبط تابعه و روشنگری و جهت‌دهی رسانه‌های جمعی به‌ویژه رسانه ملی در این خصوص بسیار حائز اهمیت است.

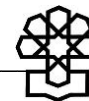
- در این مجال، مهم‌ترین چالش‌ها و موانع (۱۰ موردی که بیشترین تکرار را در پژوهش‌ها داشتند) پیش‌روی توسعه و تعمیم ورزش همگانی بیان شده در پژوهش‌های پیشین به اختصار ارائه می‌شود:
- ضعف در دسترسی آسان و ارزان مردم به اماکن ورزشی،
  - کمبود امکانات، لوازم و تجهیزات ورزشی،
  - نبود یک سیاستگذاری کلان و مدیریت قوی در وزارت ورزش و جوانان،
  - ضعف در هماهنگی و هم‌افزایی بین نهادهای متولی ورزش همگانی،
  - ضعف شفافیت در نقش دولت و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش خصوصی،
  - مشکلات اقتصادی مردم،
  - تغییر سبک زندگی مردم،
  - گران بودن ورزش به نسبت سایر سرگرمی‌های اوقات فراغت،
  - کمبود برنامه مدون و علمی برای هماهنگی ورزش‌های تربیتی، همگانی و قهرمانی،
  - پایین بودن سواد حرکتی مردم.

**ب) چالش‌ها و موانع کلان ورزش همگانی از دیدگاه متخصصان، خبرگان و ذی‌نفعان**

چالش‌ها و موانع ورزش همگانی از دو وجه مدیریتی و ساختاری بررسی شد. وجه مدیریتی چالش‌ها و موانع، نیازمند بازنگری در مداخلات سیاسی است، در حالی که وجه ساختاری چالش‌ها و موانع، تحت تأثیر فراساختارها بوده و ایجاد مداخله جدی در آنها به‌سادگی صورت نمی‌گیرد، و بر این اساس، توجه به این پیش‌فرض در مطالعه آسیب‌های ذیل ضروری است.

### اولویت‌بندی چالش‌ها و موانع کلان ورزش همگانی از دیدگاه متخصصان، خبرگان و ذی‌نفعان

جهت اولویت‌بندی چالش‌ها و موانع در هر دو بعد مدیریتی و ساختاری، از آرای هشت نفر از صاحب‌نظران، متخصصان و ذی‌نفعان حوزه ورزش همگانی استفاده شد که تجربه علمی و اجرایی وافر در این حوزه داشتند. یافته‌های این مطالعه در جدول ۳ قابل مشاهده است.



### جدول ۳. اولویت‌بندی چالش‌ها و موانع کلان ورزش همگانی از دیدگاه متخصصان، خبرگان و ذی‌نفعان این حوزه

رتبه	بعد	موانع و چالش‌ها	امتیاز (از ۹)
۱	مدیریتی	کمبود مشوق‌های کارآمد و هدفمند در راستای دسترسی آسان و ارزان ورزش همگانی	۸/۲۵
۲		جذاب بودن ورزش قهرمانی و حرفه‌ای برای دولتمردان و رسانه‌ها	۸/۰۰
۳		جزیره‌ای عمل کردن و نداشتن یک مدل مطلوب و نقشه نظام‌مند کل‌نگر در حوزه ورزش همگانی	۷/۷۵
۴		ضعف وزارت ورزش و جوانان در مدیریت و سیاستگذاری کلان این حوزه	۷/۵۰
۵		هزینه نشدن بودجه ورزش همگانی در محل مناسب	۷/۲۵
۶		ضعف شاخص و نظام آماری مدون و مشخص در حوزه ورزش همگانی	۷/۰۰
۷		پایین بودن سواد حرکتی مردم	۶/۷۵
۸		۱. ضعف شفافیت در نقش دولت و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش خصوصی ۲. ضعف در طراحی برنامه با رویکرد بازاریابی اجتماعی ۳. ضعف برنامه‌محوری مبتنی بر آمایش سرزمینی ۴. ضعف نگرشی و کارکردی رویکرد تربیتی نسبت به امر ورزش	۶/۵۰
۹		۱. ضعف در هماهنگی و هم‌افزایی بین نهادهای متولی ورزش همگانی ۲. ضعف در رویکرد همگانی فدراسیون‌های ورزشی ۳. دسترسی آسان و ارزان سایر سرگرمی‌های اوقات فراغت نسبت به ورزش	۶/۲۵
۱۰		۱. ضعف سیاست ورزشی یکپارچه در شهرداری‌ها ۲. ضعف در تربیت نیروی انسانی متخصص ورزش همگانی توسط دانشگاه‌ها ۳. ضعف در رویکرد مخاطب‌محور برنامه‌های ورزش همگانی	۶/۰۰
۱۱		ضعف در رویکرد سلامت‌محور ورزش همگانی	۵/۷۵
۱۲	۱. ارتباط فرایندی نامطلوب بین مؤلفه‌های ورزش ۲. آشنا نبودن سیاسیون با مفاهیم و تعاریف و فواید ورزش همگانی	۵/۵۰	
۱	ساختاری	ضعف ساختاری در ورزش همگانی	۸/۲۵
۲		تغییر سبک زندگی مردم	۷/۵۰
۳		مشکلات اقتصادی مردم	۶/۷۵
۴		افزایش استفاده مردم از شبکه‌های اجتماعی در اوقات فراغت	۶/۵۰
۵		کمبود امکانات، تجهیزات و لوازم ورزش همگانی	۶/۲۵
۶		پایین بودن سرانه فضاهای ورزش همگانی	۶/۰۰
۷		فقدان مفاهیم مشخص در مورد مفهوم ورزش همگانی	۵/۷۵

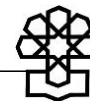
بررسی مطالعات پیشین و اسناد مختلف کمک کرد که ۳۵ چالش و مانع در حوزه ورزش همگانی احصا شود و پس از طراحی پرسشنامه و پاسخ صاحب‌نظران امر، ۳۵ مورد در دو بعد چالش‌ها و موانع مدیریتی و چالش‌ها و موانع ساختاری دسته‌بندی شد که ۲۵ عامل مدیریتی و ۱۰ عامل ساختاری تعیین شد. در مرحله پایانی و پس از نمره‌دهی صاحب‌نظران حوزه ورزش همگانی ۲۰ عامل مدیریتی و ۷ عامل ساختاری قابلیت ارائه به‌عنوان چالش و مانع را داشتند که در جدول ۳ براساس رتبه قابل مشاهده است. در ادامه، ۶ مانع و چالش مدیریتی اولویت‌دار و همچنین ۶ مانع و چالش ساختاری ورزش همگانی تشریح می‌شود.

## الف) مهم‌ترین چالش‌ها و موانع مدیریتی (سیاستی و اجرایی) براساس رتبه

### ۱. کمبود مشوق‌های کارآمد و هدفمند در راستای دسترسی آسان و ارزان ورزش همگانی

در اکثر کشورهای پیشرفته، مشوق‌های قانونی کارآمدی برای حمایت از ورزش همگانی پیش‌بینی شده است، در حالی که در ایران این حمایت‌ها فاقد کارآمدی لازم هستند و طی سال‌های گذشته نمودی هدفمند و اثربخش نداشته‌اند. از جمله این حمایت‌ها می‌توان به مشوق‌های مالیاتی اشاره کرد که متأسفانه در ایجاد انگیزه برای فعالان بخش خصوصی به‌منظور هزینه‌کرد در بخش ورزش همگانی مؤثر نبوده است و اکثر فعالان بخش خصوصی و صاحبان صنایع، علاقه‌مند به سوق دادن بودجه‌های خود به سمت ورزش حرفه‌ای هستند و به دلیل اهداف تبلیغاتی آنها، این نوع گرایش از سوی بخش خصوصی طبیعی به نظر می‌رسد. از دیگر مشوق‌های فعال بخش ورزش همگانی، مشوق‌های بیمه‌ای است که متأسفانه سازوکاری از سوی بیمه‌ها برای کاهش هزینه‌های بیمه‌ای و استفاده از ظرفیت بیمه‌ها برای ترغیب مردم به ورزش و پیشگیری از بیماری‌ها مشاهده نمی‌شود. هرچند، مطابق ماده (۱۳۴) قانون مالیات‌های مستقیم، مؤسسات ورزشی از پرداخت مالیات معاف هستند، اما در این خصوص هیچ نوع اولویتی برای باشگاه‌ها و نوع فعالیت‌های ورزشی پیش‌بینی نشده است. این امر باعث شده تا تراکم باشگاه‌ها در برخی رشته‌ها از قبیل بدنسازی و پرورش اندام وجود داشته باشد و در سوی مقابل در برخی از رشته‌های پایه و مادر در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای مانند ژیمناستیک و دومیدانی و رده‌های سنی کودکان و نیز ویژه بانوان؛ کمبودهای جدی از حیث باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی وجود داشته باشد. مؤسسات ورزشی در حالی از پرداخت مالیات معاف هستند که خدمات آنها مشمول مالیات بر ارزش‌افزوده می‌شود؛ این یعنی اینکه باشگاه‌دار از پرداخت مالیات معاف بوده و خدمات‌گیرنده که شامل عموم مردم هستند مشمول پرداخت ۹ درصد مالیات بر ارزش‌افزوده هستند، لکن مطابق ماده (۱۲) این قانون، خدمات بهداشتی از پرداخت مالیات معاف هستند. لذا، ایجاد مالیات بر ارزش‌افزوده بر خدمات ورزشی و تربیت بدنی از یک سو با روح حاکم بر بند «۳» اصل سوم قانون اساسی مبنی بر تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح منافات دارد و از سوی دیگر با گران شدن ورزش می‌تواند موجب کاهش مشارکت مردم در فعالیت‌های ورزشی سلامت‌محور شود.

نکته حائز اهمیت دیگر در این خصوص اینکه در قانون برنامه ششم توسعه و حکم موضوع ماده (۹۴) نقش قوه قانونگذار و همچنین برنامه‌ریزی و پیشنهاد دقیق و به‌جای دولت در راستای ارائه مشوق‌های کارآمد و هدفمند بسیار روشن است (۰/۲۷) درصد از یک واحد درصد مالیات بر ارزش‌افزوده در راستای توسعه ورزش همگانی؛ زیرا طبق آمار ارائه شده مرکز ملی آمار در خصوص میزان زمان ورزش کردن افراد شرکت‌کننده ۱۵ سال و بالاتر سراسر کشور از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ تغییری حاصل نشد و میزان حضور در فعالیت‌های ورزشی ۱۵ دقیقه محاسبه شد ولی طبق آماری که



همین مرکز در سال ۱۳۹۶ ارائه داد میزان حضور در فعالیت‌های بدنی و ورزش افراد ۱۵ سال و بالاتر سراسر کشور از ۱۵ دقیقه به ۲۷ دقیقه افزایش داشت و این افزایش ۱۲ دقیقه‌ای می‌تواند معنادار باشد و قطع‌به‌یقین ناشی از حکم موضوع ماده (۹۴) است. بنابراین این مورد، یکی از آن نمونه‌های مشوق و هدفمند بوده است.

## ۲. جذاب بودن ورزش قهرمانی و حرفه‌ای برای دولتمردان و رسانه‌ها

ساختار ورزش کشور به‌گونه‌ای است که مدیریت کلان ورزشی به‌سمت ورزش قهرمانی میل دارد و بخش عمده فعالیت‌های مدیریتی ورزش به توان، وقت و اعتبارات ورزش قهرمانی سوق پیدا کرده است. گرایش وافر مدیریتی به ورزش قهرمانی و حتی حرفه‌ای و بی‌توجهی به ورزش همگانی در راستای سلامت مردم جامعه، یکی از مشکلات اساسی و ساختاری ورزشی کشور است. در این بین توجه مردم معطوف به ورزش قهرمانی و حرفه‌ای است که با جذابیت‌های بصری بسیاری همراه است و بر این اساس، توجه رسانه‌های جمعی نیز متوجه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای است. از طرفی ورزش همگانی در مقایسه با ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، از جذابیت کمتری برخوردار است و همان‌طور که در هرم مدیریت ورزشی ریچارد مول (۱۹۹۷) آمده است، ورزش همگانی با کمترین تماشاچی و بالاترین شرکت‌کننده همراه است و این درست برخلاف ورزش حرفه‌ای و قهرمانی است که در آن تعداد شرکت‌کنندگان در ورزش حداقل و تماشاچیان آن زیاد است و حضور تماشاچیان در این نوع ورزش مرکز توجه مدیران ورزش‌های حرفه‌ای و قهرمانی است و شاید بتوان گفت که استقبال جامعه از ورزش قهرمانی و حرفه‌ای بر رویکرد مدیران ورزش کشور درخصوص اولویت بخشیدن به این نوع ورزش اثر داشته است.

بنابراین، وزارت ورزش و جوانان بیشتر به ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و امورات مربوط مشغول است. در صورتی که ورزش قهرمانی باید زیر نظر کمیته ملی المپیک باشد و وزارت ورزش و جوانان به سلامت عموم مردم توجه داشته باشد و بتواند با اجرای برنامه‌ها به ترویج و تعمیم ورزش همگانی و تقویت پایه ورزش قهرمانی کمک کند. یکی از دلایل اصلی چنین رویکردی، حضور افراد غیرورزشی در رأس امور تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ساختارهای اصلی ورزش کشور مانند وزارت، کمیته ملی المپیک و حتی فدراسیون‌های ورزشی است و بنا به طبع سیاسی خود، تلاش می‌کنند که هم‌راستا و هم‌جهت افکار عمومی حرکت کنند و ندانسته و یا دانسته با پرداختن صرف به ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و جاذبه‌های آن و دوری جستن از فراهم‌سازی سازوکار و ساختار مناسب برای نهادینه کردن ورزش همگانی، مردم را به‌جای ورزشکار شدن به‌سمت تماشاگر و هوادار شدن صرف سوق می‌دهند و در بلندمدت، جامعه فرسوده و سرشار از بیمار می‌شود و با توجه به پیش‌بینی‌های جمعیتی کشور، اگر برنامه‌ریزی دقیق و عملیاتی صورت نگیرد در سال ۲۰۳۵ کشور به‌سمت سالمندی و بیماری‌های

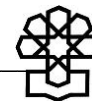
متعدد و افزایش هزینه‌های بهداشتی و درمانی می‌رود. از سوی دیگر، اگر برنامه‌ریزی و اجرای منسجم و یکپارچه‌ای در حوزه ورزش همگانی انجام گیرد و در این راستا بسیج عمومی صورت پذیرد قطعاً از مزایای بی‌شمار این حوزه چون افزایش سلامت و نشاط در جامعه، کاهش هزینه‌های درمانی و بهداشتی، افزایش بهره‌وری نیروی کار جامعه، قانونمند کردن کنش‌های اجتماعی بر مبنای قواعد رسمی و آیین و رسوم می‌توان بهره‌مند شد.

### ۳. جزیره‌ای عمل کردن و نداشتن یک مدل مطلوب و نقشه نظام‌مند کل نگر در حوزه ورزش همگانی

یکی دیگر از چالش‌های ورزش همگانی کشور، فعالیت‌های جزیره‌ای نهادها و دستگاه‌های اجرایی فعال در بخش ورزش به علت تقسیم کار طولی است که این امر به میزان چشمگیری به کاهش اثربخشی اقدامات انجام شده در راستای توسعه ورزش کشور، منجر شده است. یکی از نتایج فقدان هم‌افزایی میان نهادهای متولی بخش‌های مختلف ورزش کشور، هدررفت سرمایه‌ها و درعین حال کمبود بهره‌گیری اثربخش بخش‌های مختلف ورزش کشور نظیر آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شهرداری‌ها، نیروهای مسلح و وزارت ورزش و جوانان از ظرفیت‌ها و امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری یکدیگر است. ضمن اینکه کوتاه‌مدت‌نگری در کلان ورزش کشور حاکم بوده و همین امر به فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت و پایبندی به اجرای آن منجر شده است.

امروزه در ساختار ورزش ایران، هیچ امکانی برای همکاری بین‌بخشی تعریف نشده است. نه تنها نهادهای دولتی فاقد انگیزه لازم برای قرار دادن اماکن ورزشی خود در اختیار یکدیگر هستند، بلکه این همکاری در سطح اماکن ورزشی سطح محلی نیز اتفاق نمی‌افتد. به عنوان مثال؛ بسیار تأسفبار است که در یک محله، استخری دولتی وجود داشته باشد و ساکنان یک محله (و حتی کارکنان دولتی ساکن در همان محل) فاقد امتیاز و فرصت لازم برای استفاده ارزان از آن مکان ورزشی باشند. البته باید اشاره کرد برخی قوانین و مقررات موجود نیز، زمینه بروز این چالش را فراهم کرده‌اند.

تجربیات موجود در ایران و دیگر کشورها نشان داده است که یک نهاد خاص با امکانات گسترده و توانمند به تنهایی نمی‌تواند موجب افزایش مشارکت مردم در ورزش همگانی شود، زیرا ورزش همگانی یک محصول اجتماعی و یک فراورده بین‌بخشی و خروجی کل جامعه است؛ بنابراین یکی از دلایل ناکامی برنامه‌های فعلی، جزیره‌ای عمل کردن و نداشتن یک مدل مطلوب و نقشه نظام‌مند کل نگر در این حوزه است. اگر یک مدل مطلوب و نقشه نظام‌مند کل نگر مبتنی بر برنامه‌ای منسجم و یکپارچه در حوزه ورزش همگانی تهیه و تدوین شود، که در آن جایگاه و سهم هر کدام از دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌نفع و ذی‌نقش تعیین شود تا حدود زیادی از هدررفت منابع ملی جلوگیری می‌کند و اگر هماهنگی دقیق و به‌جایی در این راستا صورت پذیرد و به صورت منظم پیگیری شود قطع‌به‌یقین به هم‌افزایی منجر خواهد شد.



#### ۴. ضعف وزارت ورزش و جوانان در مدیریت و سیاستگذاری کلان این حوزه

بر کسی پوشیده نیست که وزارت ورزش و جوانان عالی‌ترین سازمان مسئول ورزش کشور است، بنابراین، برنامه‌های صحیح و اصولی این وزارتخانه می‌تواند موجبات توسعه ورزش همگانی در کشور را فراهم کند. بدین منظور، ضروری است که وزارت ورزش و جوانان به تدوین برنامه راهبردی توسعه ورزش همگانی کشور اقدام کرده و زمینه اجرای مناسب آن را با تدوین برنامه اجرایی توسعه ورزش همگانی کشور با تأکید بر ادارات و سازمان‌های مختلف تابعه فراهم آورد. از سوی دیگر، لازم است که وزارت ورزش و جوانان دست یاری به سمت سازمان‌های ذی‌نفع و ذی‌نقش دراز کند تا با همفکری و هماهنگی به طراحی برنامه‌ای ملی در این خصوص اقدام کنند تا هم‌افزایی موجود موجب رشد و گسترش ورزش همگانی در بین اقشار مختلف جامعه شود. همچنین، ضروری است که در این وزارتخانه توجه بیشتری به ورزش همگانی در مقایسه با سایر بخش‌های ورزش صورت پذیرد و از نگاه تک‌قطبی به ورزش کاسته شود. بدین منظور بایستی بودجه بیشتری برای توسعه ورزش همگانی در نظر گرفته شود و موانع پیش‌روی توسعه ورزش همگانی مرتفع شود. نظارت دقیق، همه‌جانبه و کامل بر اجرای برنامه‌های سایر ادارات و سازمان‌های ورزشی سراسر کشور نیز امری ضروری است و با این کار می‌توان بر توسعه ورزش کشور نظارت داشته و در صورت مواجهه با مشکلات خاصی، هرچه سریع‌تر نسبت به رفع آنها اقدام شود.

از سوی دیگر، از میان دستگاه‌های اجرایی، تعداد معدودی از دستگاه‌ها مشخصاً مأموریت ارائه خدمات ورزشی به عموم مردم را برعهده دارند که می‌توان به شهرداری‌ها، فدراسیون و هیئت‌های ورزش همگانی استان‌ها و شهرستان‌ها، فدراسیون و هیئت‌های ورزش روستایی و عشایری استان‌ها و شهرستان‌ها، ادارات کل ورزش و جوانان در استان‌ها و شهرستان‌ها، سایر هیئت‌های ورزشی و نهادهای مرتبط با بسیج ورزشکاران در استان‌ها و شهرستان‌ها اشاره کرد. شواهد نشان می‌دهند؛ نهادهای مذکور فاقد کمترین تعامل و هماهنگی در موضوع اجرای برنامه‌های ورزش همگانی هستند و سازوکار مشخصی برای هم‌افزایی اقدامات اجرایی به‌ویژه در سطح کلان‌شهرها، شهرستان‌ها و روستاها مشاهده نمی‌شود. این تعاملات، معمولاً قائم به فرد بوده و همین موضوع زمینه رفتارهای مقطعی مدیران سطوح مختلف را فراهم کرده است. حتی شورای ورزش همگانی استان‌ها که معمولاً با ریاست استانداران تشکیل می‌شوند فاقد اثربخشی لازم بوده و خروجی‌های پایدار و مشخصی پیرامون عملکرد آنها مشاهده نمی‌شود.

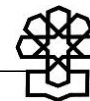
در میان نهادهای متولی ورزش همگانی، فدراسیون ورزش‌های همگانی از ظرفیت بالایی برای خلق ایده‌های جدید و کارآمد در این حوزه برخوردار است که البته بخش بسیاری از توان این فدراسیون در سال‌های اخیر صرف برگزاری مسابقات، دوره‌های آموزشی و درآمدزایی از این طریق شده

است. انحلال فدراسیون آمادگی جسمانی و تمایل دو فدراسیون ورزش همگانی و بدنسازی و پرورش اندام به کشاندن گرایش‌های تخصصی آمادگی جسمانی به سمت خود، آن هم به دلیل اقبال عمومی مربیان و ورزشکاران به این گرایش‌ها، زمینه برخی چالش‌ها و موازی‌کاری‌ها در سال‌های اخیر را فراهم کرد. وجود بیش از ۵۰ انجمن و کمیته تخصصی در فدراسیون ورزش‌های همگانی و فقدان سازوکار مشخص برای پایش تعداد اعضای تحت پوشش این انجمن‌ها و کمیته‌ها، زمینه افزایش حجم شدن بیش از حد این فدراسیون را فراهم کرده و در بعضی مواقع زمینه تداخل عملکرد این انجمن‌ها و کمیته‌ها با هیئت‌های ورزشی استانی را ایجاد کرده است. نکته دیگر اینکه؛ تعداد افراد تحت پوشش برنامه‌های این فدراسیون مشخص نیست و سنجه و شاخص خاصی نیز برای پایش آن مشاهده نمی‌شود. به‌طور کلی فدراسیون ورزش‌های همگانی به‌رغم ظرفیت بالای درآمدزایی و برنامه‌ریزی‌های منظم و دوره‌ای برای برگزاری همایش‌ها، جشنواره‌ها و دوره‌های آموزشی مرتبط با ورزش همگانی، از خروجی ملموس و قابل مشاهده‌ای در سال‌های اخیر برخوردار نبوده و حتی در برقراری پیوند میان نهادهای ذی‌نفع حوزه ورزش قهرمانی نیز موفق نبوده است. در این میان، تمرکز فدراسیون‌های ورزش کارگری، ورزش دانش‌آموزی و ورزش دانشجویی بر ورزش قهرمانی این اقشار بوده و زمینه انحراف جدی در جهت‌دهی اعتبارات این فدراسیون‌ها را فراهم کرده است. به‌نظر می‌رسد برگزاری انتخابات برای این دسته از فدراسیون‌های حاکمیتی و مأموریت‌محور، این تشکل‌ها را از رسالت واقعی خود دور کرده و آنها را به سمت نتیجه‌گرایی صرف سوق داده است. در همین راستا؛ نقش فدراسیون ورزش‌های روستایی و عشایری و بازی‌های بومی و محلی هم قابل بررسی است.

به‌طور کلی؛ در حالی که از منظر قانونگذار، وزارت ورزش و جوانان متولی و پاسخگویی وضعیت ورزش همگانی کشور است، در واقع فدراسیون‌های حاکمیتی و مأموریت‌محور ورزش کشور مانند فدراسیون ورزش‌های همگانی و فدراسیون ورزش‌های روستایی و عشایری و بازی‌های بومی و محلی که در راستای اجرای سیاست‌های این وزارتخانه و با هدف پر کردن خلأهای تشکیلاتی تشکیل شده‌اند، تدریجاً به سمت قوانین و شرایط حاکم بر فدراسیون‌های المپیکی سوق پیدا کرده و این در حالی است که از منظر نهادهای بین‌المللی، الزامی برای این موضوع وجود ندارد. در همین راستا، اصلاح ماده (۷) آیین‌نامه هیئت‌های ورزشی استان‌ها در راستای توسعه ورزش همگانی و هماهنگی با ادارات ورزش و جوانان استان‌ها، ضرورت دارد.

##### ۵. هزینه نشدن بودجه ورزش همگانی در محل مناسب

در حال حاضر، تمرکز برنامه‌های ورزش همگانی کشور، پیش از آنکه موضوع ارتقای سطح سلامت عمومی و پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر را دنبال کند؛ برنامه‌هایی نمایشی، تبلیغاتی و در بهترین حالت انگیزشی هستند که توان ایجاد تغییر رفتار در مخاطبان خود را ندارند. برگزاری همایش‌های



پیاده‌روی با جمعیت انبوه و با امتیاز پخش مستقیم تلویزیونی، آن هم با هدف اعطای جوایز و خودرو به شرکت‌کنندگان، نمی‌تواند راهکاری اثربخش محسوب شود. براساس آمارهای رسمی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بیش از ۶۰ درصد مردم ایران دارای کم‌حرکی به میزان مصرف کمتر از ۶۰۰ کیلوکالری در هفته هستند. این آمار از احتمال افزایش بی‌رویه بیماری‌های غیرواگیردار در آینده نزدیک، آن هم به دلیل فقدان تحرک لازم خبر می‌دهد. بر این اساس، تزریق بودجه بیشتر به بخش ورزش با هدف پیشگیری از بیماری‌ها، رویکرد عاقلانه‌ای است که با سؤال‌های جدی روبه‌رو است. اینکه تداوم وضعیت موجود ورزش همگانی کشور، تا چه اندازه می‌تواند در ارتقای سلامت عمومی مردم و کاهش بیماری‌های غیرواگیر مؤثر باشد؟ و آیا بودجه دولتی بیشتر، زمینه بهبود این روند را منجر می‌شود؟، تزریق اعتبارات ۰/۲۷ درصد از مالیات بر ارزش‌افزوده در قالب برنامه ششم توسعه تا چه حد توانسته است بر تغییر رفتار و بهبود وضعیت سلامت عمومی جامعه تأثیرگذار باشد؟ سؤال‌های مهمی که پاسخ‌های صریحی برای آنها وجود ندارد و ضرورت تجدیدنظر در رویکردهای فعلی ورزش همگانی کشور را به سیاستگذاران یادآور می‌شود.

آنچه مسلم است در کشورهای پیشرفته، سرمایه‌گذاری در حوزه ورزش با صرفه‌جویی‌های اقتصادی قابل پیش‌بینی و قابل محاسبه‌ای همراه است و بر این اساس سیاستگذاران به دنبال راهکاری برای سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر در این حوزه هستند؛ از دلایل این امر می‌توان به استانداردهای بالا و کیفیت قابل قبول برنامه‌های ورزشی و فعالیت بدنی در کشورهای توسعه‌یافته اشاره کرد؛ موضوعی که شرکت‌های بیمه‌ای را به اولین علاقه‌مندان سرمایه‌گذاری در حوزه ورزش سلامت‌محور تبدیل کرده است. به هر ترتیب در ایران، سنجش استاندارد و قابل محاسبه‌ای برای بررسی میزان اثربخشی ورزش و سهم آن در تولید ناخالص داخلی و همچنین سهم آن در سلامت عمومی وجود ندارد و به همین دلیل رغبتی از سوی نهادهای حوزه سلامت برای سرمایه‌گذاری در بخش ورزش سلامت‌محور مشاهده نمی‌شود.

نکته دیگر، ورود بخش خصوصی به موضوع ورزش همگانی در قالب باشگاه‌های بدنسازی و تناسب اندام است. شواهد نشان می‌دهد موضوع فعالیت حدود ۷۵ درصد باشگاه‌های ورزشی کشور (این تعداد از حدود ۲۲۰۰۰ باشگاه)، بدنسازی و خدمات تناسب اندام است. آماری که در ظاهر خوشایند به نظر می‌رسد، ولی در واقعیت، به ظهور چالش‌های جدیدی در حوزه سلامت منجر شده است؛ علاوه بر برخی از کارکردهای سوءفرهنگی - اجتماعی این قبیل فعالیت‌ها و عدم سنخیت آنها با فرهنگ عمومی حاکم بر جامعه ایرانی، گزارش مرگ‌های ناشی از مصرف مکمل‌های غیرمجاز، دوپینگ و رواج دارو در باشگاه‌های ورزشی، آن هم توسط مربیان، نگرانی‌ها در این زمینه را افزایش داده و شائبه تبدیل باشگاه‌های بدنسازی به محیط‌های تهدیدکننده سلامت را بالا برده است. مکانی که باید محل ارتقای سلامت باشد، به دلیل سیاست‌های نادرست و فقدان برنامه کارآمد، به تشکیلی کاملاً اقتصادی با کارایی مبهم تبدیل شده است. در همین راستا، اعتباربخشی باشگاه‌های ورزشی از منظر سلامت، تشدید

نظارت بر عملکرد آنها و هدفمند شدن تسهیلات و مشوق‌های اعطایی از قبیل معافیت‌های مالیاتی، راهکار اجرایی و تقنینی بسیار مهمی است که می‌بایست در کوتاه‌ترین زمان ممکن طرح‌ریزی و عملیاتی شود.

بودجه دولتی یکی از اهرم‌های مهم دولت در توسعه این ورزش است. در اغلب کشورها بودجه ورزش همگانی بیشتر از سایر بخش‌هاست. این موضوع اهمیت ورزش همگانی را در جوامع بشری نشان می‌دهد. در کشور ما و در بودجه سالیانه وزارت ورزش و جوانان نیز بیشترین میزان و درصد به توسعه ورزش همگانی اختصاص داده می‌شود ولی عملکرد، بررسی‌ها و خروجی‌ها نشان می‌دهد که این بودجه در ردیف تعیین شده هزینه نمی‌شود. از سوی دیگر، نمونه بارزتر این است که در سال ۱۳۹۳ طی تصمیمی مقرر شد که ۱۰ درصد از بودجه سالیانه هر فدراسیون، صرف همگانی شدن و توسعه و تعمیم رشته یا رشته‌های آن فدراسیون ورزشی در بین اقشار مختلف مردم شود ولی به واقع این عمل به‌ندرت عملی شد یا می‌شود چراکه در برهه‌ای از سال، برخی از فدراسیون‌ها در پرداخت حقوق و مزایای پرسنل خود نیز با کمبود شدید منابع مالی مواجه شده‌اند.

#### ۶. ضعف شاخص و نظام آماری مدون و مشخص در حوزه ورزش همگانی

با وجود گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی، متأسفانه هنوز آمار دقیق و قابل دفاعی در مورد وضعیت فعالیت بدنی ایرانیان و میزان مشارکت آنها در برنامه‌های ورزش همگانی وجود ندارد. مبنای جمع‌آوری داده‌های آماری نامشخص است و بر این اساس امکان پایش برنامه‌ها و اقدامات اجرایی نیز وجود ندارد. در حال حاضر مهم‌ترین شاخص حوزه ورزش همگانی، «تعداد اقدامات انجام شده» است که به‌عنوان مثال؛ برگزاری تعداد جشنواره‌ها یا همایش‌های ورزشی، به ملاکی برای ارزشیابی عملکرد نهادهای متولی ورزش همگانی تبدیل شده است. شاخصی که مبتنی بر اقدامات<sup>۱</sup> است و هیچ ملاکی برای سنجش پیامدها<sup>۲</sup> و درنهایت تأثیر<sup>۳</sup> آنها وجود ندارد.

#### ب) مهم‌ترین چالش‌ها و موانع ساختاری براساس رتبه

##### ۱. ضعف ساختاری در ورزش همگانی

در بخش ملی ساختار ورزش ایران، ترافیک نهادهای تصمیم‌گیرنده مشاهده می‌شود و از سوی دیگر در سطح محلی ارتباطات افقی قطع شده و ورزش دقیقاً در جایی که باید انجام شود یعنی در کف بازار و جامعه، فاقد متولی است و چندین نهاد به‌طور موازی و البته جزیره‌ای وظیفه ارائه خدمات ورزشی به مردم را برعهده دارند. برد سیاست‌های نهاد متولی ورزش یعنی وزارت ورزش و جوانان حداکثر تا سطح

1. Output  
2. Outcome  
3. Impact



میانی است و شهرداری‌ها به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای ارائه‌کننده خدمات مستقیم ورزشی به مردم، هرگز مکلف به اجرای این سیاست‌ها در سطوح شهرستانی و محلی نیستند. باشگاه‌های ورزشی خرد که تعداد آنها اکنون به حدود ۲۲۰۰۰ باشگاه رسیده است و به نوعی تجلی فعالیت بخش خصوصی حوزه ورزش محسوب می‌شوند، فاقد ارتباط ارگانیک و نظام‌مند برنامه‌ریزی شده با یکدیگر، سایر نهادها و به‌طور مشخص نظام ورزش هستند.

مشکل دیگر ساختار این است که نهادهای بین‌بخشی و مشورتی‌اش در سطح ملی و حداکثر استانی تمام می‌شوند و در سطح شهرستانی و محلی، هیچگونه نهادهای مشورتی متناظری مشاهده نمی‌شود. این امر بدان معناست که هماهنگی در سطح سیاستگذاری بسیار بالا و در سطح اجرا تقریباً صفر است. خلاصه آنکه ساختار ورزش باید از پایین اصلاح شود و نقش همکاری‌های بین‌بخشی به‌ویژه همکاری‌های سطح محلی بسیار کلیدی و حیاتی است. جایی که کار به خود مردم واگذار می‌شود و ورزش به جایگاه واقعی خود یعنی عامل بهبود مشارکت، سلامت و هویت جمعی ساکنان سطح محلی باز می‌گردد.

## ۲. تغییر سبک زندگی مردم

کاربرد روزافزون تکنولوژی و ماشینی شدن کارها، تأثیرات بسیاری بر کاهش فعالیت بدنی افراد و فقر حرکتی افراد جامعه گذاشته است. دنیای کنونی طی دهه‌های اخیر با سرعت رو به صنعتی شدن و اقتصادی شدن پیشرفته است به نحوی که زندگی انسانی را نیز در بسیاری از جوامع به زندگی ماشینی بدل کرده و یا در حال انجام آن است. به همین سبب زندگی در دنیای امروز ابتکار عمل سریع را از انسان گرفته و او را دچار فقر حرکتی کرده و به دنبال این فقر حرکتی مشکلات عدیده جسمی، روانی و اجتماعی را برای وی پدید آورده است. بر اثر گسترش تمدن و صنعتی شدن، هرچند شاهد افزایش رشد اقتصاد و شکوفایی تکنولوژی و ماشینی شدن زندگی بشر هستیم اما به موازات این رشد و ترقی از نقش انسان به‌عنوان عامل رشد و ترقی کاسته شده است، به‌طوری که به‌جای انسان خلاق از ماشین‌های طراح و برنامه‌نویس و سیستم‌های خودکار و رایانه‌ای استفاده می‌شود که پیامد آن کاهش استفاده از نیروی انسانی و زمان کار و افزایش اوقات فراغت انسان‌ها بوده است. در کشور نروژ نشان می‌دهد که نوجوانان و جوانان بیشتر وقت خود را صرف فعالیت‌های غیرحرکتی از قبیل تماشای تلویزیون، ویدئو و بازی‌های رایانه‌ای می‌کنند و کمتر به فعالیت‌های جسمانی منظم می‌پردازند.

یکی از این تغییرات، استفاده آحاد مختلف مردم از شبکه‌های اجتماعی است چنانچه طبق داده‌های ارائه شده مرکز ملی آمار، ۵۳ درصد از افراد ۱۵ سال و بالاتر در شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند و میانگین صرف وقت در سراسر کشور ۱ ساعت و ۴ دقیقه است. از سوی دیگر، ۵۴/۸ درصد افراد ۱۵ ساله و بیشتر در هفته نوبت مصرف کرده‌اند و سرانه هفتگی نوشابه، ۱/۷ لیوان بوده است.

همچنین، ۴۸ درصد افراد ۱۵ ساله و بیشتر اظهار داشته‌اند که به‌صورت ماهیانه فست‌فود مصرف کرده‌اند و سرانه مصرف فست‌فود این افراد، ۱/۴ بار در ماه بوده است. این آمارها نشانگر این است که تغییر سبک زندگی و حرکت به سمت کم‌تحركی و همچنین بهره‌مندی از تغذیه نامناسب خود عاملی در جهت عکس ورزش کردن است و در بلندمدت موجب ناهنجاری‌های اسکلتی، ماهیچه‌ای و بیماری‌های متعدد از جمله اضافه وزن، چاقی، بیماری‌های قلبی و بیماری‌هایی از این دست می‌شود.

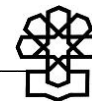
### ۳. مشکلات اقتصادی مردم

بر کسی پوشیده نیست که با وجود اهمیت ورزش برای سلامت جسمی و روحی، فشارهای اقتصادی و مشکلات مختلف موجب شده تا ورزش خیلی در سبد خانوار قرار نگیرد. شرایط نامساعد اقتصادی دلیل بسیاری از افراد برای شرکت نکردن در فعالیت‌های ورزشی است. وضعیت خوب اقتصادی باعث شرکت بیشتر افراد در فعالیت‌های اوقات فراغت و همچنین فعالیت‌های ورزشی تفریحی در اوقات فراغت می‌شود. بر همین اساس واضح است که وضعیت اقتصادی مناسب می‌تواند جوانان و خردسالان یک خانواده را نیز بیشتر درگیر فعالیت‌های ورزشی کند. اگر به‌صورت کلی و عمومی به موضوع نگاه شود، در بسیاری از موارد، انجام فعالیت‌های ورزشی مستلزم هزینه فراوانی از سوی ورزشکار خواهد بود. با این تفاسیر، منطقی به نظر می‌رسد که مشکلات اقتصادی گریبانگیر مردم و نیز گران بودن ورزش به نسبت سایر سرگرمی‌های اوقات فراغت مهم‌ترین عامل اقتصادی مؤثر بر توسعه ورزش همگانی کشور باشد.

مطابق مطالعاتی که روی بزرگسالان انجام شده ارتباط معناداری میان عدم انجام رفتارهای مرتبط با سلامتی و سطح پایین وضعیت اقتصادی- اجتماعی وجود دارد. بعضی مطالعات این مسئله را تأیید می‌کند که رفتارهایی شبیه به عدم فعالیت‌های فیزیکی و ورزش در افراد، از نظر فراوانی، در میان طبقات پایین اجتماعی - اقتصادی بیشتر است. در چنین مطالعاتی این فرضیه تأیید می‌شود که رفتارهای تهدیدکننده سلامتی مانند عدم فعالیت فیزیکی با منزلت اقتصادی - اجتماعی افراد مرتبط است. در این پژوهش نوجوانان گروه‌های پایین اقتصادی- اجتماعی و مادران و پدران آنها در هر دو جنس دختر و پسر از نظر عدم مشارکت در ورزش، نرخ بالایی را به خود اختصاص داده بودند. به‌طور کلی طبقات کارگر نسبت به طبقات میانی و بالاتر، کمتر در ورزش مشارکت دارند. البته این امر ممکن است با ارزش اقتصادی مشارکت‌های ورزشی قابل تبیین باشد.

### ۴. افزایش استفاده مردم از شبکه‌های اجتماعی در اوقات فراغت

در یک دهه اخیر، سرعت رشد تکنولوژی افزایش یافته و به تبع آن، میزان استقبال از شبکه‌های اجتماعی روز به روز بیشتر می‌شود. براساس گزارش ارائه شده مرکز ملی آمار در سال ۱۳۹۶، از ۱۰۰ درصد افراد ۱۵ ساله و بیشتر که آمارگیری شد، ۵۳ درصد عضو شبکه‌های اجتماعی بودند و از این ۵۳



درصد، ۹۴/۵ درصد از تلگرام، ۴۳/۱ درصد از اینستاگرام، ۲۴/۳ درصد از واتس‌آپ، ۴/۷ درصد از ایمو، ۳/۸ درصد از فیسبوک، ۲/۴ درصد از گوگل پلاس، ۱ درصد از یوتیوب، ۱ درصد از توئیتر، ۰/۹ از وایبر، ۰/۶ از تانگو و ۱ درصد از سایر شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند.

از سوی دیگر، سرانه زمان حضور افراد ۱۵ ساله و بیشتر در شبکه‌های اجتماعی استان‌های منتخب و سایر استان‌ها در یک روز سال ۱۳۹۶ نشان داد که میانگین کل کشور ۱ ساعت و ۴ دقیقه است و برای استان‌های آذربایجان شرقی ۵۱ دقیقه، اصفهان ۵۹ دقیقه، ایلام ۵۴ دقیقه، تهران ۱ ساعت و ۳۱ دقیقه، خراسان رضوی ۵۸ دقیقه، خوزستان ۱ ساعت و ۱ دقیقه، سیستان و بلوچستان ۳۲ دقیقه، فارس ۱ ساعت و ۸ دقیقه، قم ۱ ساعت و ۶ دقیقه، کردستان ۴۶ دقیقه، گیلان ۱ ساعت و ۱۱ دقیقه، لرستان ۱ ساعت و ۱ دقیقه، مازندران ۱ ساعت و ۹ دقیقه، هرمزگان ۱ ساعت و ۱۸ دقیقه، یزد ۱ ساعت و ۴ دقیقه و سایر استان‌ها ۵۴ دقیقه است (مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶).

آمار ارائه شده نشان می‌دهد که با گسترش شبکه‌های اجتماعی و پر شدن اوقات فراغت با ابزارهای جدید و مدرن تکنولوژیکی، عملاً کم‌تحرکی افزایش می‌یابد و میزان گرایش به تحرک و فعالیت بدنی قطع‌به‌یقین کاهش می‌یابد.

#### ۵. کمبود امکانات، تجهیزات و لوازم ورزش همگانی

طبق بند «۳» اصل سوم قانون اساسی، باید تربیت بدنی برای همه رایگان باشد ولی این‌طور نیست و در سال‌های اخیر، ورزش به‌شدت گران شده است. هر فردی برای حضور در برنامه‌های هفتگی ورزشی علاوه بر خرید البسه باید در باشگاه‌های ورزشی یا سالن‌های بدنسازی ثبت نام کند زیرا امکانات، لوازم و تجهیزات پارک‌ها پاسخگو نیست و در غالب اوقات با وسایلی غیراستاندارد روبه‌رو هستیم. از سوی دیگر به‌دلیل کم بودن سرانه اماکن ورزشی و همچنین کمبود امکانات، تجهیزات و لوازم ورزشی، میزان میل و انگیزه خود به خود کاهش می‌یابد و با شدت یافتن گرانی و عدم تعادل در وضعیت معیشتی مردم، ورزش به‌راحتی از سبد خانوارها حذف می‌شود و عملاً جزو مقولات غیرضروری زندگی افراد محسوب می‌شود. یکی از راهکارها می‌تواند ارائه یارانه ورزش همگانی یا بن ماهیانه ورزش همگانی به اقشار کم‌درآمد در سراسر کشور باشد.

در پژوهشی که در سال ۱۳۹۵ در شهر تهران انجام پذیرفت. شهروندان تهرانی از زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی ابراز نارضایتی کرده‌اند. به عبارت دیگر شهروندان از وضعیت کمی، کیفی، ایمنی، بهداشت، طراحی و توزیع عادلانه تجهیزات و امکانات ورزشی پارک‌ها و مراکز تفریحی، تعداد سالن‌های ورزشی همجوار و دسترسی مردم به تجهیزات و زیرساخت‌های ورزشی اعلام نارضایتی داشته‌اند.

## ۶. پایین بودن سرانه فضاهای ورزش همگانی

هرچند، به تفصیل در جزء «۳» از بند «ب» وضعیت موجود ورزش همگانی این گزارش در این باره اشاره شده است، لیکن به‌زعم برخی کارشناسان، واگذاری اماکن ورزشی دولتی به شکل اجاره و از طریق مزایده در اجرای ماده (۸۸) قانون بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰، شروعی برای رقابت در افزایش نرخ‌ها و قیمت‌های خدمات ورزشی شد، اما چند نکته در این باره حائز اهمیت است؛ نخست اینکه حکم ماده مذکور مقید به عبارت «مجازند» است. به‌علاوه، آیین‌نامه اجرای این حکم قانونی به واگذاری «تمام یا قسمتی از خدمات خود» اشاره دارد. لذا از این حیث، چنین استنباط می‌شود که تکلیفی برای دستگاه‌های متولی از جمله وزارتخانه‌های ورزش و جوانان، آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات و فناوری در خصوص واگذاری تمام اماکن ورزشی به بخش غیردولتی به‌ویژه برای اقشار نیازمند از قبیل معلولان، سالمندان، زنان و دانش‌آموزان و دانشجویان وجود ندارد. مضاف بر این، ماده (۶) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳ به «مجاز بودن» دستگاه‌های اجرایی جهت واگذاری «واحدهای مازاد ورزشی» از طریق مزایده اشاره دارد. عبارت «مجاز» بودن در واگذاری و شرط «مازاد» بودن اماکن ورزشی، مبین این نکته است که احکام مصوب موجود در نظام حقوقی کشور، مانع تحقق بند «۳» اصل سوم قانون اساسی مبنی بر رایگان بودن تربیت بدنی برای عموم در تمام سطوح نمی‌باشند. با این حال، فقدان نظام تعرفه‌گذاری و تعیین حدود نرخ خدمات ورزشی به‌گونه‌ای که ورزش در سبد مصرفی خانوار قرار گیرد باعث شده تا مطابق داده‌های منبعث از مرکز ملی آمار کشور، ورزش حتی در شش اولویت نخست اوقات فراغت خانوارهای ایرانی قرار نگیرد.

### جمع‌بندی و پیشنهاد

بررسی وضعیت موجود در دو بعد مشارکت همگانی و مشارکت دستگاه‌های ذی‌نفع و ذی‌نقش نشان داد که در ایران، طبق داده‌های مرکز ملی آمار در سال ۱۳۹۶ بیش از ۶۵ درصد مردم ایران ورزش نمی‌کنند، از میان استان‌های ارائه شده، افراد ۱۵ سال و بالاتر استان‌های سیستان و بلوچستان و خوزستان با میانگین ۱۳ دقیقه حضور در فعالیت‌های ورزشی کمترین و استان گیلان با میانگین ۳۵ دقیقه و استان‌های خراسان رضوی و هرمزگان با میانگین ۳۲ دقیقه بیشترین میزان حضور در فعالیت‌های ورزشی را داشته‌اند. طبق آمار ارائه شده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۹۵، وضعیت تحرک بدنی و فعالیت جسمانی مردم ایران به تفکیک استان‌های مختلف نشان می‌دهد که استان‌های سیستان و بلوچستان، یزد و بوشهر کم‌تحرک‌ترین استان‌های کشور هستند و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، زنجان، کردستان وضعیت فعالیت بدنی و تحرک جسمانی مطلوبی دارند و بقیه استان‌ها هم در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. همچنین، از منظر پراکندگی نقاط جمعیتی کشور از حیث وضعیت چاقی و ترکیب بدنی، مردم استان‌های



گیلان، مازندران، اردبیل، گلستان، البرز و نیز استان‌های آذربایجان غربی و کردستان دارای بیشترین میزان چاقی و اضافه وزن در مقایسه با سایر استان‌ها هستند و وضعیت چاقی و اضافه وزن مردم شرق ایران و بخشی از نوار زاگرس‌نشین نسبت به مردم استان‌های مرکزی و غربی کمتر است. ۵۶ درصد جمعیت کل کشور دارای اضافه وزن هستند، ۶۳ درصد زنان ایرانی اضافه وزن دارند در حالی که سرانه موجود فضای ورزشی کشور به اندازه طول یک «گام» است و به‌ازای هر چهار هزار نفر جمعیت، یک مکان ورزشی وجود دارد.

تغییر سبک زندگی مردم نیز وضعیتی نگران‌کننده را نشان می‌دهد؛ طبق داده‌های ارائه شده مرکز ملی آمار در سال ۱۳۹۶، ۵۳ درصد از افراد ۱۵ سال و بالاتر در شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند و میانگین صرف وقت در سراسر کشور ۱ ساعت و ۴ دقیقه است. آمار ارائه شده نشان می‌دهد که با گسترش شبکه‌های اجتماعی و پر شدن اوقات فراغت با ابزارهای جدید و مدرن تکنولوژیکی، عملاً کم‌تحرکی افزایش می‌یابد و میزان گرایش به تحرک و فعالیت بدنی قطع‌به‌یقین کاهش می‌یابد. ۵۴/۸ درصد افراد ۱۵ ساله و بیشتر در هفته نوشابه مصرف کرده‌اند و سرانه هفتگی نوشابه، ۱/۷ لیوان بوده است. همچنین، ۴۸ درصد افراد ۱۵ ساله و بیشتر اظهار داشته‌اند که به‌صورت ماهیانه فست‌فود مصرف کرده‌اند و سرانه مصرف فست‌فود این افراد، ۱/۴ بار در ماه بوده است. این در حالی است که مطابق داده‌های مربوط، بیش از نیمی از مردم در هیچ‌گونه برنامه و فعالیت ورزشی شرکت نمی‌کنند.

همچنین، نتایج و پیامدهای وضعیت ورزش همگانی ایران به‌صورت کلی و در هر دو بخش مشارکت همگانی و مشارکت دستگاه‌های ذی‌نفع و ذی‌نقش، ضعیف بررسی شد که نشانگر وجود مسائل، چالش‌ها و موانعی پیش‌روی توسعه و تعمیم ورزش همگانی است. این چالش‌ها و موانع از دو منظر بررسی شد، یکی از منظر پژوهش‌های پیشین و دیگری از دیدگاه متخصصان، خبرگان و ذی‌نقشان حوزه ورزش همگانی. وجه مدیریتی چالش‌ها و موانع، نیازمند بازنگری در مداخلات سیاستی است که سه عامل اصلی به ترتیب عبارتند از: کمبود مشوق‌های کارآمد و هدفمند در راستای دسترسی آسان و ارزان ورزش همگانی، جذاب بودن ورزش قهرمانی و حرفه‌ای برای دولتمردان و رسانه‌ها و عدم بهره‌مندی هدفمند از این جذابیت برای مشارکت در ورزش همگانی، جزیره‌ای عمل کردن و نداشتن یک مدل مطلوب و نقشه نظام‌مند کل‌نگر در حوزه ورزش همگانی.

با توجه به مطالعات پیشین و نتایج آن و همچنین مطالعه صورت گرفته در این گزارش به‌نظر می‌رسد

**که عامل بسیار تأثیرگذار یا علت‌العلل چالش‌ها و موانع مدیریتی حوزه ورزش همگانی، عامل**

**«کمبود مشوق‌های کارآمد و هدفمند در راستای دسترسی آسان و ارزان ورزش همگانی» باشد.**

از جمله چالش‌ها و موانعی که به‌نظر می‌رسد زیرمجموعه این عامل اساسی باشند، می‌توان به ضعف وزارت ورزش و جوانان در مدیریت و سیاستگذاری کلان این حوزه، هزینه نشدن بودجه ورزش همگانی در محل مناسب، ضعف برنامه‌محوری مبتنی بر آمایش سرزمینی، پایین بودن سواد حرکتی مردم، ضعف در هماهنگی

و هم‌افزایی بین نهادهای متولی ورزش همگانی، ضعف در رویکرد همگانی فدراسیون‌های ورزشی، ضعف شاخص و نظام آماری مدون و مشخص در حوزه ورزش همگانی، ضعف شفافیت در نقش دولت و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش خصوصی، ضعف سیاست ورزشی یکپارچه در شهرداری‌ها، ضعف در طراحی برنامه با رویکرد بازاریابی اجتماعی، ارتباط فرایندی نامطلوب بین مؤلفه‌های ورزش، ضعف در تربیت نیروی انسانی متخصص ورزش همگانی توسط دانشگاه‌ها، ضعف در رویکرد مخاطب‌محور برنامه‌های ورزش همگانی، ضعف در رویکرد سلامت‌محور ورزش همگانی اشاره کرد.

از سوی دیگر، وجه ساختاری چالش‌ها و موانع تحت تأثیر فراساختارها بوده و ایجاد مداخله جدی در آنها به‌سادگی صورت نمی‌گیرد که سه عامل اصلی به ترتیب عبارتند از: ضعف ساختاری در ورزش همگانی، تغییر سبک زندگی مردم، مشکلات اقتصادی مردم.

همچنین به‌نظر می‌رسد که **عامل بسیار تأثیرگذار یا علت‌العلل چالش‌ها و موانع ساختاری حوزه**

**ورزش همگانی، عامل «ضعف ساختاری در ورزش همگانی» باشد.** اکثر چالش‌ها و موانع ساختاری

ورزش همگانی نشانگر این است که زیرمجموعه این عامل عمده می‌باشند که می‌توان به عوامل مشکلات اقتصادی مردم، تغییر سبک زندگی مردم، کمبود امکانات، تجهیزات و لوازم ورزش همگانی، پایین بودن سرانه فضاهای ورزش همگانی و افزایش استفاده مردم از شبکه‌های اجتماعی در اوقات فراغت اشاره کرد.

به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین چالش و مانع مدیریتی و ساختاری حوزه ورزش همگانی، متناظر هستند زیرا میزان مشوق‌های کارآمد و هدفمند در راستای دسترسی آسان و ارزان ورزش همگانی، بسیار اندک است که این مورد موجب مشارکت حداقلی مردم در ورزش‌های همگانی می‌شود. از سوی دیگر برای برطرف کردن ضعف ساختاری حوزه ورزش همگانی که به زیرساخت‌های مورد نیاز ورزش همگانی از جمله اماکن، تجهیزات، لوازم و البسه ورزشی اشاره دارد و همچنین مباحث فراساختاری حوزه ورزش که مرتبط با مباحث اقتصادی (وضعیت معیشتی مردم) و فرهنگی (سبک زندگی مردم) مردم است نقش قوه قانونگذار در این حوزه بسیار تعیین‌کننده است.

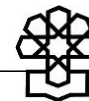
البته، گفتنی است با توجه به چالش‌ها و موانع موجود، نقاط امیدبخشی نیز در این خصوص وجود دارد از جمله میانگین مدت زمان افراد ورزش‌کرده از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴، حدود ۱۵ دقیقه بود که در سال ۱۳۹۶ به ۲۷ دقیقه افزایش یافت که می‌تواند تا حدودی ناشی از مداخله حمایتی قانونگذار در برنامه ششم توسعه و موضوع مهم ورزش از مالیات بر ارزش افزوده باشد.

از سوی دیگر، ۱۰ چالش و مانع استخراج شده از مطالعات پیشین و همچنین ۲۷ چالش و مانع

برگرفته از مطالعه صورت گرفته در این گزارش، زمینه بروز پیامدهای کلان ذیل را فراهم کرده است:

✓ پایین بودن سهم مشارکت عمومی جامعه در ورزش همگانی

✓ پایین بودن سهم ورزش همگانی در سلامت عمومی جامعه



✓ پایین بودن سهم ورزش همگانی در ورزش قهرمانی کشور

بنابراین پیشنهاد می‌شود نسبت به طراحی نسخه‌های سیاستی متناسب با چالش‌های موجود تا رفع موانع و بسترسازی و فرصت‌آفرینی برای توسعه و تعمیم ورزش همگانی اقدام شود. در این راستا، بهره‌مندی از نظرهای محققان و پژوهشگران مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی و دستگاه‌های اجرایی جهت رفع موانع و چالش‌های مذکور و در صورت ضرورت تدوین پیش‌نویس سیاستی در قالب طرح قانونی یا آیین‌نامه اجرایی می‌تواند راهگشا باشد.

### منابع و مآخذ

۱. احسانی، محمد و همکاران (۱۳۹۲). طراحی و تدوین نظام جامع ورزش حرفه‌ای کشور.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶). خلاصه‌ای از نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران.
۳. رضایی صوفی، مرتضی و همکاران (۱۳۹۶). تحلیل محیطی ورزش حرفه‌ای ایران، نشریه پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی.
۴. رضائی‌نژاد، رحیم و همکاران (۱۳۹۴). مدیریت ورزش نخبه: تجارب کشورهای موفق، چاپ اول، انتشارات شمال پایدار.
۵. سماوات، طاهره (۱۳۹۴). برنامه ملی فعالیت بدنی برای ارتقای سلامت در جمهوری اسلامی ایران، انتشارات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
۶. صادقی‌پور، نرگس (۱۳۹۴). «لایحه احکام مورد نیاز اجرای برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۹-۱۳۹۵) - ویرایش جدید» (ارزیابی بخش‌های پیشرو از منظر رشد، اشتغال، انرژی و محیط زیست). مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۵۰۵۸.
۷. کاشف، میرمحمد (۱۳۹۳). ارتباط بین هزینه‌های ورزشی و درمانی با فعالیت بدنی خانوارهای ارومیه. مجله علوم کاربردی ورزش و تندرستی.
۸. مجدآرا، علی؛ رضا شجیع و مصطفی محمدی رئوف (۱۳۹۷). ورزش در نظام بین‌الملل، انتشارات فدراسیون ورزش‌های همگانی.
۹. مجدآرا، علی و همکاران (۱۳۹۷). گفتمان ورزش همگانی در نظام بین‌الملل.
۱۰. مرکز آمار ایران (۱۳۹۳). نتایج آمارگیری از فعالیتهای فرهنگی خانوار.
۱۱. مرکز آمار ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۳). نتایج آمارگیری از فعالیتهای و رفتارهای فرهنگی خانوار در نقاط شهری کشور.
۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). نتایج آمارگیری از رفتارهای فرهنگی خانوار.
13. [http://www.who.int/diabetes/country-profiles/irn\\_en.pdf?ua=1](http://www.who.int/diabetes/country-profiles/irn_en.pdf?ua=1)
14. Popkin, B. M. (2011). Is the Obesity Epidemic a National Security Issue Around the Globe? *Current Opinion in Endocrinology, Diabetes, and Obesity*, 18(5).
15. Cawley, J. and Meyerhoefer C. (2012) The Medical Care Costs of Obesity: An Instrumental Variables Approach. *Journal of Health Economics*, 31(1).
16. Finkelstein E.A. and et al. (2009) Annual Medical Spending Attributable to Obesity: Payer-and Service-Specific Estimates. *Health Affairs*, 28(5).



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۷۸۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحلیل وضعیت مشارکت ورزش همگانی در ایران و تبیین چالش‌ها و موانع کلان

نام دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ (گروه ورزش، میراث فرهنگی و گردشگری)

تهیه و تدوین: مهدی مرادی

همکاران خارج از مرکز: رضا شجاع، رحمان سوری

ناظران علمی: صادق ستاری‌فرد، سینا کلهر

واژه‌های کلیدی:

۱. ورزش همگانی

۲. وضعیت موجود

۳. موانع و چالش‌ها



تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۹/۲۷